



# رساله دوم به تسالونیکیان

The Second Epistle to the Thessalonians

## تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ویلیام مک دونالد

[www.muhammadanism.org](http://www.muhammadanism.org)

December 14, 2007

Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیم موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوه‌ی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده که از اصول صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمن وفاداری به اصول تفسیر، همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتاب حاضر انتخاب شایسته‌ای برای مطالعات انفرادی و گروهی کتاب مقدس خواهد بود.

## Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,  
Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.

— All Rights Reserved —



## مقدمه

«پولس رسول همچون رساله اول فوراً با مشکل دست به گریبان نمی‌شود بلکه قلبهای مقدسین را به طور تدریجی آماده می‌کند و حقیقت را نفشرده و مشکل را به یکباره مطرح نمی‌سازد. این طریق حکمت و فیض آسمانی است؛ قلب آماده شده و نه نکته‌ای که اشتباه یا بد بوده است.»

- ویلیام کلی (William Kelly)

### الف) جایگاه منحصر به فرد در میان کتب مقدس

حقایق مهمی که در این نامه یافت می‌شود هم عملی و هم آموزه‌ای هستند. پولس آمدن ثانوی مسیح و مکاشفه‌اش راجع به مرد شریر را بیشتر برای تسالونیکیان توضیح داده و تصحیح می‌کند. او همچنین کسانی که آمدن ثانوی مسیح را به عنوان بهانه‌ای برای کار نکردن قرار داده‌اند نصیحت می‌کند، وقتی بدیشان اجازه غذا خوردن نمی‌دهد!

### ب) نویسنده

شواهد خارجی برای نویسنده دوم تسالونیکیان از رساله اول نیز قوی‌تر است. نه تنها افرادی چون پولیکارپ و ایگناتیوس به پولسی بودن رساله شهادت داده‌اند و نیز این رساله به عنوان رساله پولس در فهرست مارتیریون و کانون موراتوریان قرار دارد بلکه ایرناتوس نیز با نام از رساله دوم تسالونیکیان نقل قول کرده است. این رساله بسیار کوتاه است از رساله اول تسالونیکیان شواهد داخلی کمتری دارد ولی کاملاً واضح است که پولس رسول نگارنده نامه بوده و عده بسیار کمی از محققین در مورد پولسی بودن این رساله مردد هستند.

### ج) تاریخ نگارش

رساله دوم تسالونیکیان در جواب مشکلات بیشتر و همچنین عدم درک بعضی از قسمتهای اول تسالونیکیان نوشته شده است. چند ماه یا شاید هفته‌ها نیاز بود تا رساله دوم نوشته شود. پولس، سلوانس و تیموتائوس هنوز با هم بودند (۱:۱) و قرن‌س تنها شهری بود که ما در مورد آن می‌خوانیم که آنها با هم بوده‌اند (اعمال ۱۸:۱، ۵). از این رو تاریخ نگارش در حدود ۵۰ میلادی و احتمالاً بین ۵۰ تا ۵۱ میلادی بوده است.

### د) پس زمینه و موضوع

سه دلیل اساسی برای نامه‌ای دیگر حتی در فاصله کمی از نامه اول وجود داشت. مقدسین تحت جفا بودند و نیاز به تشویق داشتند (باب اول). آنها در مورد روز خداوند گمراه شده و نیاز به روشن شدن داشتند (باب دوم).

بعضی در تنبلی بسر برده و این نظریه را به عنوان بهانه مطرح می‌کردند که خداوند دارد باز می‌گردد و نظریه بازگشت خداوند که پولس گفته بود نیاز به تصحیح دارد (باب سوم).

راجع به روز خداوند، ایمانداران می‌ترسیدند که مبادا در آن ایام باشند. ترسهای آنها یوسیله شایهات بی‌اساس تقویت می‌شد در حالیکه پولس خودش در مورد روز خداوند در حینی که حاضر بود تعلیم می‌داد. پس پولس رسول مستقیماً این تعالیم را نوشت.

آشکار است که روز خداوند مشابه آمدن خداوند نمی‌باشد که این یعنی زمان ربهوده شدن ایمانداران. مقدسین از روز آمدن خداوند نمی‌ترسیدند؛ آنها از زمان مصیبت عظیم که اولین مرحله روز خداوند است ترسان می‌بودند. پولس هرگز تعلیم نداده بود که همه وقایع قبل از ربهوده شدن باید اتفاق بیفتند. ولی حالا او تعلیم می‌دهد که قبل از آنکه روز خداوند شروع گردد، ارتداد عظیمی خواهد بود و تسلی دهنده برداشته خواهد شد و مرد بی‌دین ظاهر خواهد شد.

برای درک بهتر این نامه هیچ چیز مهمتر از دیدن فاصله‌ای که بین ربهوده شدن، روز خداوند و آمدن ثاونویه مسیح وجود نمی‌باشد. روز خداوند در اول تسالونیکیان ۲:۵ تعریف می‌شود. فاصله‌ای که بین ربهوده شدن و ظهور در دوم تسالونیکیان ۷:۱ شده است.

### طرح کلی دوم تسالونیکیان

۱. سلامها (۲،۱:۱)
۲. پولس و تسالونیکیان (۱۲-۳:۱)
  - الف) دین پولس برای شکرگزاری (۵-۳:۱)
  - ب) داوری عادل خدا (۱۰-۹:۱)
  - پ) دای پولس برای مقدسین (۱۲-۱۱:۱)
۳. راجع به روز خداوند (۱۲-۱:۲)
  - الف) تقاضای پایداری (۲،۱:۲)
  - ب) مرد شریر (۱۲-۳:۲)
۴. شکرگزاری و دعا (۱۷-۱۳:۲)
  - الف) شکرگزاری پولس از اینکه مقدسین از داوری رستگار خواهند شد (۱۴،۱۳:۲)
  - ب) دعای پولس برای راحتی و پایداری مقدسین (۱۷-۱۵:۲)
۵. نصایح عملی (۱۵-۱:۳)
  - الف) برای دعای متقابل (۵-۱:۳)
  - ب) برای طرز رفتار با سرکشان (۱۵-۶:۳)
۶. دعای برکت و سلامها (۱۸-۱۶:۳)

# تفسیر

## ۱. سلامها (۱:۱-۲)

۱:۱. سلوانس و تیموتائوس در حینی که پولس این نامه را از قرنتس می‌نوشت با او بودند. این نامه خطاب به کلیسای تسالونیکیان است؛ این نشان دهنده ترکیب انسانی و محل جغرافیایی آن است. در خدای پدر نشان می‌دهد که جماعت، جماعتی خداپرست است و نه بی‌دین. و در خداوند عیسی مسیح نشان می‌دهد که این جماعت، یک جماعتی مسیحی هستند.

۲:۱. پولس رسول برای مقدسین لذت و سعادت و شهرت نمی‌طلبد بلکه فیض و سلامتی. فیض در واقع در ارده خدا همه چیز را ممکن می‌سازد و سلامتی در همه شرایط به انسان آرامش عطا می‌کند. چه چیز بیشتری می‌تواند یک شخص برای خودش یا دیگران آرزو داشته باشد؟  
فیض و سلامتی از جانب خدا پدر و خداوند ما عیسی مسیح است. فیض در پی خود سلامتی را به همراه دارد؛ ما باید بدانیم که فیض خدا چیست پیش از آنکه سلامتی را تجربه کنیم. پولس خدای پدر و عیسی مسیح خداوند را به عنوان دو منشأ واحد از این برکات مطرح ساخته و بطور ضمنی عنوان می‌کند که پدر و پسر برابر هستند.

## ۲. پولس و تسالونیکیان (۱:۳-۱۲)

### الف) دین پولس برای شکرگزاری (۱:۳-۵)

۳:۱. این نامه با شکرگزاری برای مقدسین شروع می‌شود. برای خواندن این نامه باید به صدای تپش قلب خادم مسیح در حینی که از فرزندان روحانی خود دلشاد است گوش کنیم. برای او شکرگزاری یک وظیفه دائماً در قبال خدا بود و همچنین یک وظیفه در خورد ایمان و محبت. ایمان ایشان شگفت‌آور بود و آنها یکدیگر را بدون استثنا پذیرفته و محبت زیادی نسبت به یکدیگر ابراز می‌کردند. این جواب دعای پولس رسول بود (اول تسالونیکیان ۳:۱۰، ۱۲).

به این ترتیب توجه کنید: اول ایمان، دوم محبت. «ایمان ما را در ارتباط با سرچشمه ابدی محبت در خود خدا قرار می‌دهد و پیامد الزامی آن این است که قلبهای ما در محبت او که متعلق به وی می‌باشیم ریشه بدواند» (C. H. Mackintosh).

۴:۱. روند پیشرفت روحانی ایشان باعث شده بود که پولس و دیگر همکارانش به آنها در دیگر کلیساهای خدا فخر کنند. آنها ثابت مانده و پر از ایمان بودند در حالیکه داشتند متحمل جفاها می‌شدند. صبر در اینجا یعنی پایداری یا اسقامت.

۵:۱. این حقیقت که آنها شجاعانه تحت جفاها و سختیها ایستاده بودند نشان دهنده رفتار عادلانه خدا بود. او آنها را تجهیز می کرد، تغذیه و تشویق می نمود. اگر آنها قدرت آسمانی او را دریافت نکرده بودند هرگز قادر نبودند چنین صبر و ایمانی را در رنج بردن برای مسیح از خود نشان دهند.

تحمل قهرمانانه آنها ثابت کرد که آنها مستحق ملکوت خدا هستند. این امر بیان نمی کند که هر شخص به خودی خود وارد ملکوت خواهد شد؛ فقط از طریق شایستگی و لیاقت مسیح است که شخص می تواند به آنجا راه یابد. ولی آنانیکه بخاطر ملکوت در اینجا رنج می برند کسانی هستند که در روز بازگشت او با وی سلطنت خواهند کرد (رومیان ۷:۸؛ دوم تیموتائوس ۲:۱۲).

راجرز (E. W. Rogers) در تفسیر این عبارت، تا شما مستحق ملکوت خدا بشوید، می گوید:

«این امر با مسئولیت بشری ارتباط دارد. از نظر حاکمیت خدا ما در نور با مقدسین شریک خواهیم بود و این ملاقات ما با مقدسین در ملکوت خدا مستلزم ایمان ما به مرگ و قیام مسیح است. ما در پسر حبیب خداست که فیض یافته ایم، و این جدا از هرگونه امتیازی در ماست و ربطی به گناهی که قبل تا در حین نجات یافتنمان مرتکب می شویم ندارد. ولی خدا به قومش اجازه می دهد که به راه جفاها وارد شوند تا در ایشان صفات اخلاقی والا پدید آید که در اینصورت شهروندانی مستحق برای ملکوت باشند».

بعضی از رسولان از این شاد بودند که بجهت نام عیسی لایق شکنجه و رنج شمرده می شوند. دعای پولس برای تسالونیکیان که خدا ایشان را مستحق دعوت گرداند هیچ ربطی به اضافه کردن به کار مسیح ندارد. صلیب ایماندار را لایق وضعیت خود در ملکوت گردانیده است ولی صبر و ایمان در مصیبتها این لیاقت اخلاقی را در شخص مجسم می سازد. در میان اعضای هر جامعه زمینی کسانی هستند که از دیگران کم اعتبارتر می باشند. پولس دعا کرد که در میان مقدسین اینطور نباشد.

### ب: داوری عادل خدا (۱۰-۶:۱)

۶:۱. عمل عادل خدا از دو طریق قابل رویت است: هلاکت برای جفاکنندگان و سپس آرامی برای جفادیدگان. ویلیامز می گوید:

عمل خدا در اینکه اجازه می دهد قومش جفا ببینند و در اینکه اجازه می دهد جفاکنندگان آنها وجود داشته باشند، دلیلی دو گانه دارد: اولاً برای امتحان قرار دادن قومش برای آسمان (آیه ۵)؛ و دوماً، جور شدن جفاکنندگان برای داوری.

۷:۱. درست چنانچه خدا هلاکت دشمنان قومش را مقرر نموده، آرامی را نیز برای کسانی که بخاطر او رنج می برند مهیا کرده است.

ما نباید از آیه ۷ این طور نتیجه گیری کنیم که رنج بردن مقدسین ایشان را از امتحان پیش از آمدن مسیح از آسمان می رهند. وقتی که یک ایماندار مُرد، آرامی می یابد. ایمانداران زنده از آرامی که در زمان ربوده شدن بوقوع

خواهد پیوست لذت خواهند برد. آنچه که این آیه می‌گوید این است که وقتی خداوند داوری خود را برد دشمنانش بریزد، مقدسین بوسیله دنیا در حال لذت بردن از آرامی دیده خواهند شد. زمان مجازات عادلانه خدا زمانیست که خداوند عیسی از آسمان با فرشتگان قوت خود ظاهر می‌شود. مجازات برای نردم بی‌دین است و آرامی برای ایماندارانی که در حین آمدن او باقی هستند. کدام مرحله آمدن مسیح در اینجا مد نظر است؟ این واضحاً مرحله سوم است، تجسم ظهور او وقتی که با مقدسین خود به زمین باز می‌گردد.

## نکاتی در باب ربوده شدن و مکاشفه

مکاشفه	ربوده شدن
۱- او برای مقدسین خود می‌آید (زکریا ۴:۱۴)	۱- مسیح در هوا می‌آید (اول تسالونیکیان ۴:۱۷)
۲- او با مقدسینش می‌آید (اول تسالونیکیان ۳:۱۳؛ یهودا ۱۴)	۲- او برای مقدسینش می‌آید (اول تسالونیکیان ۴:۱۷، ۱۶:۱۷)
۳- ظهور یک سِرّ نیست؛ این موضوع بسیاری از نبوت‌های عهد عتیق است (مزمور ۷۲؛ اشعیا ۱۱)	۳- ربوده شدن یک سِرّ است، حقیقتی ناشناخته در عهدعتیق (اول قرنتیان ۱۵:۵۱)
۴- آمدن او با مقدسینش بوسیله نشانه‌هایی در آسمانها اعلام شده بود (متی ۲۴:۲۹، ۳۰)	۴- آمدن مسیح برای مقدسینش هرگز گفته نشده بود که بوسیله نشانه‌ای آسمانی ادامه می‌یابد.
۵- ظهور با روز خداوند یکی عنوان شده است (دوم تسالونیکیان ۲:۱-۱۲)	۵- ربوده شدن به عنوان زمان برکت عنوان شده است (اول تسالونیکیان ۴:۱۸)
۶- تأکید اصلی ظهور بر داوری است (دوم تسالونیکیان ۲:۱۲-۱۸)	۶- ربوده شدن به عنوان زمان برکت عنوان شده است (اول تسالونیکیان ۴:۱۸)
۷- ظهور برای کل جهان قابل رویت خواهد بود (متی ۲۴:۲۷؛ مکاشفه ۱:۷)	۷- ربوده شدن در لحظه‌ای بوقوع می‌پیوندد، در یک چشم بر هم زدن (اول قرنتیان ۱۵:۵۲). این قویاً بطور ضمنی عنوان می‌کند که بوسیله جهان شهادت داده نخواهد شد.
۸- ظهور اساساً مربوط به اسرائیل می‌شود، و همچنین به امت‌های غیر یهودی (متی ۲۴:۱-۲۵؛ ۴۶)	۸- ربوده شدن به نظر اساساً برای کلیساست (یوحنا ۱:۱-۴؛ اول قرنتیان ۱۵:۵۱-۵۸)
۹- او به عنوان آفتاب عدالت ظهور خواهد نمود که بر باله‌ایش شفا خواهد بود (ملاکی ۲:۴)	۹- مسیح به عنوان ستاره صبح و روشنایی خواهد آمد (مکاشفه ۱۶:۲۲)
۱۰- ظهور در اناجیل هم نظر آمده است ولی کمتر می‌توان آن را در انجیل یوحنا یافت	۱۰- ربوده شدن در اناجیل هم نظر نشان داده نشده است، بلکه چندین بار در انجیل یوحنا عنوان شده است.
۱۱- آنانی که برداشته شوند برای داوری هستند و	۱۱- آنانی که بالا برده شدند برای برکت برگرفته

- می‌شوند (اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸). آنانیکه بمانند  
 برای داوری خواهند ماند (اول تسالونیکیان ۵: ۱-۳)  
 ۱۲- هیچ تاریخی نمی‌تواند زمان وقایع قبل از ربوده  
 شدن را معین کند  
 آنانیکه بمانند برای برکت (متی ۲۴: ۳۷-۴۱)  
 ۱۲- تقویم شخصی برای وقایع ظهور داده شده است  
 همانند ۱۲۶ روز، ۴۲ ماه، ۳ سال و نیم. (ر.ک دانیال ۷: ۲۵،  
 ۱۲: ۷، ۱۱، ۱۲؛ مکاشفه ۱۱: ۲؛ ۱۴: ۱۲؛ ۱۳: ۵)  
 ۱۳- عنوان پسر انسان هرگز در هیچکدام از وقایع ربوده  
 شدن نیامده است.  
 شده است (متی ۱۶: ۲۸؛ ۲۷: ۲۴، ۳۰، ۳۹؛ ۲۶: ۶۴؛  
 مرقس ۱۳: ۲۶؛ لوقا ۲۱: ۲۷).

پس درست است که این دو واقعه جداگانه هستند، ولی چگونه می‌دانیم که آنها همزمان واقع نمی‌شوند؟  
 چگونه ما می‌دانیم که آنها با یک فاصله از هم بوقوع خواند پیوسته؟  
 سه دلیل برای اثبات آن می‌توان عنوان کرد:

- ۱- اولی بر پایه نبوت دانیال از هفتاد هفته می‌باشد (دانیال ۹: ۲۵-۲۷). ما در حال حاضر در دوران کلیسای  
 معترضه هستیم یعنی بین شصت و هفتمین و هفتادمین هفته‌ها. هفته هفتادم زمان هفت سال مصیبت عظیم است.  
 کلیسا به خانه آسمانی قبل از زمان مصیبت به بالا برده خواهد شد (رومیان ۵: ۹؛ اول تسالونیکیان ۱: ۱۰؛ اول  
 تسالونیکیان ۵: ۹؛ مکا ۳: ۱۰). آمدن مسیح برای سلطنت ژس از هفته هفتادم بوقوع می‌پیوندد (دانیال ۹: ۲۴؛ متی ۲۴).
  - ۲- دومین دلیل برای فاصله بین زمان ربوده شدن و تجسم بر پایه ساختار کتاب مقدس است. در سه باب اول،  
 کلیسا بر زمین دیده می‌شود. بابهای ۴ تا ۱۹: ۱۰ و سه مصیبت عظیم را شرح می‌دهند یعنی زمانیکه غضب خدا بر  
 جهان بخاطر رد کردن فرزندش ریخته می‌شود. هرگز گفته نشده که کلیسا در زمان مصیبت عظیم بر زمین باقی  
 است. کلیسا ظاهراً در پایان باب سوم به آسمان برده شده است. در مکاشفه ۱۹: ۱۱، مسیح به زمین باز می‌گردد تا  
 دشمنان خود را مطیع سازد و ملکوتش را بر زمین برقرار سازد. در پایان دوره مصیبت عظیم.
  - ۳- سومین دلیل این است که لازم است فاصله‌ای بین آمدن مسیح برای مقسینش و آمدن او به همراه مقدسینش  
 باشد. در زمان ربوده شدن همه ایمانداران از جهان خارج خواهند شد و بدنهای جلال یافته خواهند یافت. ولی وقتی  
 که مسیح برای سلطنت باز گردد، ایماندارانی بر روی زمین باقی هستند که هنوز بدنهای جلال یافته را دریافت نکرده  
 و ازدوج نموده و فرزندان خود را در حین دروه سلطنت هزار ساله بزرگ می‌کنند (افسیان ۱۱: ۶، ۸). این ایمانداران  
 از کجا آمده‌اند؟ باید یک دوره‌ای بین ربوده شدن و ظهور وجود داشته باشد که آنها در آن دوره بتوانند تغییر  
 گرایش بدهند.
- حالا به آیه هفتم باز گردیم، ما ورود خداوند عیسی را قوت و جلال عظیم شاهد هستیم. او بوسیله فرشتگان  
 قوت خود در خدمتش هستند خواهد آمد.

۸:۱. آتش مشتعل می‌تواند اشاره به شخینا باشد یعنی ابر جلالی که سمبل حضور خدا است (خروج ۱۶:۱۰) یا می‌تواند تصویری از داوری آتشین باشد که بر جهان فرود خواهد آمد (مزمور ۵۰:۳؛ اشعیا ۶۶:۱۵). احتمالاً منظور مورد دوم است. هنگامیکه خدا انتقام می‌گیرد، این یک نوع کینه‌جویی نیست بلکه یک عمل عادلانه است. هیچ تعلیمی راجع به از کوره در رفتن خدا وجود ندارد بلکه هلاکتی که او مقرر کرده است نشان دهنده این است که او مقدس و عادل است و قدوسیت و عدالت او چنین هلاکتی را می‌طلبد. او از مردن انسان شریر هیچ لذتی نمی‌برد (حزقیال ۱۸:۳۲).

پولس دو مورد برای مجازات عنوان می‌کند:

۱- از آنانی که خدا را نمی‌شناسند - آنانی که شناخت خدای حقیقی را چنانچه در حقیقت و عقل خود مکشوف بود رد کردند (رومیان ۲،۱). آنها هرگز انجیل را نخواهند شنید.

۲- از آنانی که انجیل خداوند ما عیسی مسیح را اطاعت نمی‌کنند - آنانیکه پیام انجیل را شنیده و آن را رد کرده‌اند. انجیل به سادگی مجموعه‌ای از حقایق نیست که باید آنها را باور کرد بلکه یک شخصیت است که باید از او اطاعت کرد. ایمان به عهد جدید مستلزم اطاعت است.

۹:۱. ایشان هلاک خواهند شد. خدایی که از گناه انتقام نکشد خدا نیست. اینکه خدای محبت نباید گناه را داوری کند بر این حقیقت نظر دارد که مقدس است و باید بر طبق اصل و اساس خود رفتار کند. طبیعت هلاکت در اینجا به عنوان هلاکت جاودانی تعریف شده است. کلمه‌ای که جاودانی ترجمه شده است (aionios) می‌باشد که هفتاد بار در عهد جدید بکار رفته است. سه بار به معنای ابد یا پایان آمده است. این کلمه همچنین در رومیان ۲۶:۱۶ برای توصیف وجود ابدی خدا بکار رفته است.

هلاکت هرگز به معنی نابودی نیست. این کلمه به معنای وجود منفی و یا مخروب می‌باشد و عکس هدف موجودیت. مشک شرابی که خداوند عیسی در لوقا ۳۷:۵ توضیح داد تباه شد. (این ریشه همان کلمه‌ای است که در اینجا بکار رفته است). آنها هرگز وجودشان متوقف نمی‌شود بلکه تا جاییکه به هدف موجودیت آنها بستگی دارد ایشان تباه شده‌اند.

این متن اکثراً بوسیله پس هزاره‌ای‌ها برای اثبات نظریاتشان مورد استفاده قرار گرفته است. آنها از این آیه برای گفتن این امر استفاده می‌کنند که ایمانداران تا زمانیکه مسیح برای سلطنت نیاید آرامی نخواهند یافت و جفا کنندگان آنها نیز هلاک نخواهند شد تا مسیح بیاید و این امر در پایان دوره مصیبت عظیم بوقوع می‌پیوندد. بنابراین آنها نتیجه‌گیری می‌کنند که امید ایمانداران ر بوده شدن پس از سلطنت هزارساله است.

آنچه که ایشان نمی‌بینند این است که تسالونیکانی که این نامه برایشان نوشته شده است همگی مرده‌اند و از بودن با خداوند آسمانی آرامی یافته‌اند به همین صورت جفا کنندگان ایشان همگی مرده‌اند و در عذاب هستند.

پس چرا پولس به نظر می‌آید که دارد می‌گوید این شرایط تا زمانیکه مسیح باز نگردد بوقوع نخواهد پیوست؟ دلیلش این است که این شرایط به طور باز در جهان ظاهر خواهند شد. سپس جهان خواهند دید که تسالونیکان درستکار بوده و جفا کنندگان بر عکس. مقدسین در حال آرامش به همراه مسیحی که در جلال باز می‌گردد دیده



می‌شوند. هلاکتی که از جانب خداوند برای دشمنان او می‌آید در زمان پایان دروه مصیبت عظیم خواهد بود و همه آنرا خواهند دید و شامل حال همه ملعونان می‌شود که در تمامی دورانها قوم خدا را جفا رسانده‌اند. این به ما کمک می‌کند که به یاد داشته باشیم که آمدن مسیح برای سلطنت زمان ظهور است. آنچه که همیشه یک حقیقت ناشناخته برای دنیا بوده است روزی دیده خواهد شد ولی در مورد ربوده شدن این طور نیست.

هلاکت شریران همچنین شامل تبعید از حضور خداوند و از جلال قوت اوست. هلاک شدن بدون او یعنی بودن بدون او برای ابد.

۱۰:۱. آمدن او زمان جلال برای خداوند و تعجب برای تماشاچیان خواهد بود. او در مقدسان خود جلال خواهد یافت که این یعنی محترم شمرده خواهند شد و این بخاطر آن کاری است که او از طریق انسان انجام داده است. نجات، تقدیس و جلال یافتن ایشان در خور ستایش است و با فیض و قوت او سازگار می‌باشد. در همه ایمانداران از او تعجب کنند. تماشاچیان شگفت زده بر او خواهند نگرست چنانکه نخواهند داشت با چنین توده انسانی پر جلال و عظیمی قادرند چه کاری انجام دهند! و این شامل حال ایمانداران تسالونیکیه نیز می‌شود چرا که ایشان به شهادت رسولان ایمان آوردند. آنها در جلال و ظفر آن روز سهیم خواهند شد یعنی روز ظهور عیسی مسیح.

برای باز بینی بهتر است ما آیات ۵-۱۰ را اینطور تعبیر کنیم: «این آزارها و ناملایمات نشان می‌دهند که راه‌های خدا منصفانه و عادلانه است، زیرا او بوسیله این زحمات و رنجها، از یک طرف شما را برای ملکوت خود آماده می‌کند و از طرف دیگر تنبیه و مجازات را برای آنانی که شما را زجر می‌دهند مهیا سازد. بنابراین به شما که رنج و آزار می‌بینید، اعلام می‌دارم که وقتی عیسی خداوند به ناگاه در میان شعله‌های آتش و با فرشتگان نیرومند خود از آسمان ظاهر شود، خدا به ما و به شما آسودگی خواهد بخشید؛ اما آنانی را که از شناختن خدا و پذیرش نقشه نجات او خواهند رسید، و تا ابد از حضور خداوند دور خواهند ماند و هرگز شکوه و عظمت قدرت او را نخواهند دید. بلی، این رویدادها در روز بازگشت او واقع خواهند شد روزی که قوم او و مومنین او، ستایش و تحسین را نثار او کنند. در آن روز شما نیز در میان ستایش کنندگان او خواهید بود، زیرا به شهادتی که ما درباره او دادیم، ایمان آوردند.»

ب: دعای پولس برای مقدسین (۱:۱۱، ۱۲)

۱۱:۱. در آیات فبلی پولس رسول دعوت پر جلال مقدسین را توصیف کرد. آنها برای رنج بردن در جفاهایی دعوت شده‌اند که آنها را برای ورود به ملکوت سازگار می‌سازد. حالا او دعا می‌کند که زندگیهای ایشان در این زمان شایسته دعوتشان باشد و اینکه قدرت خدا آنها را برای اطاعت در هر نیکویی قادر بسازد و همه وظایف ایمانی خود را به انجام رسانند.

۱۲:۱. نتیجه اینها دو جنبه خواهد داشت. اولاً، نام خداوند ما عیسی مسیح در ایشان جلال خواهد یافت. این یعنی که آنها او را به جهان ظاهر می‌سازند و جلال می‌دهند. سپس آنها همچنین در او جلال می‌یابند. مشارکت با

او که سر ایشان است، برای آنها به عنوان اعضای بدن وی حرمت به بار می‌آورد. باب اول با یک یادآوری مبنی بر اینکه این دعا می‌تواند فقط بحسب فیض خدای ما و عیسی مسیح خداوند جواب داده شود به اتمام می‌رسد. پس او توصیفی اعجاز آمیز از مفهوم رنج بردن ایمانداران در زندگیشان ارائه داد. تصور کنید که تسالونیکیان وقتی که این پیغام اطمینان بخش را می‌خوانند چقدر تشویق می‌شدند!

۳- راجع به روز خداوند (۲: ۱-۱۲)

الف: تقاضای پایداری (۲: ۱، ۲)

۱: ۲. حالا پولس می‌پذیرد که در اذهان مقدسین راجع به آمدن خداوند ما عیسی مسیح و روز خداوند یک گمراهی وجود دارد و او می‌خواهد که آن را تصحیح کند. مقدسین از چنین جفای طاقت فرسایی رنج می‌برند و برایشان آسان بود که فکر کنند در دوره‌ای از روز خداوند یا مصیبت عظیم بسر می‌برند. و شایعات نیز در اطراف آنها شیوع پیدا می‌کرد مبنی بر اینکه خود پولس رسول تعلیم داده است که روز خداوند فرار رسیده است! پس او می‌بایست این را نقض می‌کرد. یک سوال قطعی در آیه اول راجع به کلمه کوچکی که پولس بکار برد اینجا می‌شود: درباره (یونانی: hyper). مشکل یا این است که او به مقدسین درباره آمدن خداوند توضیح می‌دهد یا بوسیله آمدن خداوند. اگر مفهوم اول را در نظر بگیریم به نظر متن ر بوده شدن و روز خداوند را همزمان تعلیم می‌دهد ولی آیات بعدی به وضوح نشان می‌دهند که این طور نیست. اگر دومین مفهوم را در نظر بگیریم پس پولس به ایشان می‌گوید تا زمانی که ر بوده شدن بوقوع پیوسته است آنها روز خداوند را نخواهند دید. مسئله شک برانگیز است. ما با ویلیام کلی (William Kelly) در این مورد که نظریه دوم صحیح است موافقیم: آرامی آمدن ثانوی خداوند به عنوان انگیزه‌ای برای رد نظریه غلطی که روز خداوند در آن زمان در آنجا بوده است کاملاً مورد پذیرش است.

ما درک می‌کنیم که پولس می‌خواست بگوید: «من از شما تقاضا دارم تا بر پایه ر بوده شدن ایمانداران، شما نباید از اینکه در روز خداوند هستید ترسان باشید. ر بوده شدن اول به وقوع خواهد پیوست. در آن زمان شما به آسمان بالا برده خواهید شد و از ترسها و لعتهای روز مهیب خداوند رهایی خواهید یافت».

عبارت آمدن خداوند ما عیسی مسیح و جمع شدن ما به نزد او، به نظر می‌آید به ر بوده شدن اشاره داشته باشد. این زمانی است که ما با هم در هوا او را استقبال می‌کنیم.

۲: ۲. این امر باید واضح باشد که ر بوده شدن همان روز خداوند نیست. تسالونیکیان راجع به اینکه خداوند آمده است نگران نبودند؛ آنها می‌دانستند که او هنوز بازگشت نکرده است. ولی ایشان نگران بودند که روز خداوند آغاز شده باشد. جفای سختی که آنها متحمل می‌شدند باعث شده بود کمان کنند که در دروه مصیبت عظیم، یعنی اولین دوره روز خداوند هستند.

شایعاتی نیز مبنی بر اینکه خود پولس گفته است که روز خداوند فرا رسیده است به گوش شنیده می‌شد. همانند اکثر شایعات، آنها نیز خیلی بی‌اساس بودند. پولس رسول اطلاعات خود در این زمینه را از طریق روح یعنی یک مکاشفه خاص دریافت کرده بود. بر طبق گزارشی دیگر، اخبار بوسیله کلامی که پولس رسول در جمع مبنی بر شروع دوره مصیبت عظیم عنوان کرده است شایع شده بود. عموماً از رساله‌ای که گویا از ما باشد نشان دهنده رساله‌ای کذب از پولس راجع به اینکه روز خداوند شروع شده است می‌باشد. عبارت که گویا از ما باشد احتمالاً مربوط به روح، کلام و رساله است. هیچکدام از این منشأها قابل اعتماد نبودند. بر طبق ترجمه کینگ جیمز (KJV) یا ترجمه جدید کینگ جیمز (NKJV) به مقدسین از این ترسان بودند که روز مسیح فرا رسیده باشد. روز مسیح شبیه عبارتی است که برای ربوده شدن و تخت داوری مسیح بکار رفته است (اول قرنتیان ۱:۸؛ ۵:۵؛ دوم قرنتیان ۱:۱۴؛ فیلیپیان ۱:۶؛ ۲:۱۵، ۱۶).

ولی تسالونیکیان از این ترسان نبودند که روز مسیح نزدیک بود. این به معنای آزادی ایشان از رنج‌هایشان بود. اکثر پیش‌هزاره‌ای‌ها ترجیح می‌دهند که این آیه را از روی ترجمه (RSV) بخوانند: «روز خداوند هم اکنون فرا رسیده است». خوانندگان پولس از این می‌ترسیدند که روز غضب خدا آغاز شده باشد.

## ب) مرد شریر (۲:۳-۱۲)

۳:۲. حالا پولس رسول توضیح می‌دهد که چگونه آنها نمی‌توانند در آن روز باشند. وقایع مشخصی، اول می‌بایست به وقوع بپیوندند. پس از ربوده شدن، این وقایع شروع خواهند شد. اول از همه یک ارتداد به وقوع خواهد پیوست. این یعنی چه؟ ما فقط می‌توانیم حدس بزنیم که این به دل کندن عمده مسیحیان از مسیحیت اشاره دارد یعنی رد کردن ایمان مسیحی. سپس رقم عظیم دنیا بر خواهد خواست. او شخصیتاً بی‌دین و شریر است که این یعنی تجسم گناه و تمرد. سرنوشت او در عبارت فرزند هلاکت دیده می‌شود؛ او برای داوری ابدی لعنت شده است. کتاب مقدس شامل متون زیادی در وصف اهمیت شخصیت‌های مختلفی می‌شود که در حین دوره مصیبت عظیم برخواهند خواست و دشوار می‌باشد که بین اسامی و شخصیت‌ها تفاوت را یافت. بعضی از مفسرین معتقدند که مرد شریر یک ضد مسیح یهودی خواهد بود. دیگران تعلیم می‌دهند که او رئیس غیر یهودی بوده و از امپراتوری روم برخواهد خواست. در اینجا نام حاکمین بزرگ زمانهای آخر را مشاهده می‌کنیم:

... مرد شریر و فرزند هلاکت (دوم تسالونیکیان ۲:۳)

... ضد مسیح (اول یوحنا ۲:۱۸)

... شاخ کوچک (دانیال ۷:۸، ۲۴ب-۲۶)

... پادشاهی سخت روی (دانیال ۸:۲۳)

... رئیسی که می‌آید (دانیال ۹:۲۶)

... پادشاه (دانیال ۱۱:۳۶)

... شبان باطل (زکریا ۱۱:۱۷)

... وحش از دریا (مکاشفه ۱۳:۱-۱۰)

... وحش از زمین (مکاشفه ۱۳:۱۱-۱۷)

... وحش قرمز با هفت و سروده شاخ (مکاشفه ۱۷:۴، ۸-۱۴)

... پادشاه شمال (دانیال ۱۱:۶)

... پادشاه جنوب (دانیال ۱۱:۴۰)

... نبی کاذب (مکاشفه ۲۰:۲۰، ۲۰:۱۰)

... جوج، از سرزمین ماجوج (حزقیال ۲:۳۸-۱۱:۳۹) این نباید با جوج مکاشفه ۸:۲۰ اشتباه رفته شود؛ او پس از سلطنت هزار ساله بر خواهد خواست.

... او که به نام خود می آید (یوحنا ۵:۴۳)

مرد شریر در طول سالها به افراد مختلفی اطلاق شده است. او با کلیسای کاتولیک رومی، پاپ، امپراتوری روم، آخرین شکل ارتداد از مسیحیت، تجلی دوباره یهودا، تجلی دوباره نرون، دولت اسرائیل، لوتر، ناپلئون، موسیلمانی و تجسم شیطان یکسان فرض شده است.

۴:۲. او شدیداً با هرگونه پرستش آسمانی به مخالفت برخاسته و خودش را در هیکل خدا در اورشلیم تاجگذاری می نماید. این توصیف واضحاً او را به عنوان ضد مسیح در دوره مصیبت عظیم به وقوع خواهند پیوست. آنانی که از پرستش ضد مسیح یرباز زندمورد جفا واقع شده و بسیاری از ایشان شهید خواهند شد.

۵:۲. پولس به تسالونیکیان این چیزها را وقتی که هنوز با ایشان بود گفته بود. بهر حال، بوسیله تعالیم غلط آنها به نظر گمراه شده بودند و جفاهایی که متحمل می شوند گفته های پولس را از یادش برده بود. ما نیز به سادگی این چیزها را فراموش می کنیم و دائماً در مورد حقایق عظیم ایمانمان نیاز به یادآوری داریم.

۶:۲. آنها می دانستند که چه چیزی مانع تجسم مرد شریر است و چه چیزی می باشد که تا زمان وجودش او نخواهد آمد.

این امر را به جواب سومین سؤال جواب داده نشده خود در این باب می رساند. اولین سؤال این است: «مانع کدام است؟»

در قسمت اول آیه ۶، مانع به عنوان یک عامل بدون شخصیت آمده است... آنچه را که مانع است. ولی در آیه ۷ یک شخصیت است - آنکه تا به حال مانع است ... راجز به وضوح می گوید:

«این واضحاً چیزی و شخصی است که با هدفی مشخص و از روی عمد مانع عمل مرد شریر می شود که در زمان معین خود ظهور خواهد کرد.»

هفت نظریه یا بیشتر از آن برای تعیین هویت مانع اینها هستند:

۱- امپراتوری روم

۲- دولت اسرائیل

۳- شیطان

۴- اصول شریعت و قوانینی که در دولتهای بشری یافت می شود

۵- خدا

۶- روح القدس

۷- کلیسای حقیقی به عنوان مکانی که بوسیله روح القدس پُر است.

به نظر می آید که روح القدس که در کلیسا و هر ایماندارانی ساکن است مناسبترین تعریف برای مانع باشد. چنانچه از مانع به عنوان چیزی و شخصی در این باب سخن گفته شده است، از روح نیز در یوحنا ۱۴:۲۶، ۱۵:۲۶، ۱۶:۱۴، ۱۳:۸، تحت یک نام (روح لقدس) و هم یک نام مذکر بکار رفته است. در پیدایش ۳:۶، از روح القدس در ارتباط با مانع بدی سخن گفته شده است. که ایشان می توانند نمک جهان (متی ۵:۱۳) و نور جهان (متی ۵:۱۴) باشند. نمک از فساد جلوگیری می کند. نور، تاریکی را از میان می شکافد و تاریکی قلمرویی است که انسانها دوست دارند در آنجا اعمال بد خود را ظاهر سازند (یوحنا ۳:۱۹). وقتی که روح القدس جهان را ترک کند، در آن زمان دیگر، آنکه دائماً در کلیسا (اول قرنیتیان ۳:۱۶) و در ایمانداران (اول قرنیتیان ۶:۱۹) ساکن است و مانع بدی است نخواهد بود.

۷:۲. حتی پولس نوشت که، آن سری بی دینی که الان عمل می کند و ما بوسیله این نوشته درک می کنیم که روح عظیم ناطاعتی از خدا در حال حاضر تحت فشار عامل مانع قرار دارد. این روح در شکل یک سر عمل می کند - و نه اینکه اسرار آمیز باشد بلکه کاملاً تجسم نشده است. این روح هنوز در شکل یک جنین عمل می کند تا زمانیکه عامل مانع برداشته شود.

چه چیزی تجسم کامل این روح را مانع شده است؟ ما معتقدیم که حضور روح القدس ساکن در کلیسا و هر ایماندارانی که قدرت مانع را دارا می باشد. او وظیفه خود را تا زمانی انجام خواهد داد که از میان برداشته شود و این یعنی در زمان ربوده شدن.

ولی در اینجا اعتراضی بر می خیزد. چگونه روح القدس از جهان برداشته می شود؟ روح القدس به عنوان یکی از شخصیت های ذات خدا، آیا او حاضر مطلق نیست یعنی در همه جا و در همه زمانها حاضر نیست؟ پس چگونه می تواند این جهان را ترک کند؟ البته، روح القدس حاضر مطلق است. او همیشه و در همه مکانها در یک زمان حاضر است، ولی مفهوم متفاوتی در آمدن او به زمین در روز پنتیکاست پدید آمد. عیسی بارها وعده داده بود که پدر، روح را خواهد فرستاد (یوحنا ۱۴:۱۶، ۲۶:۱۵؛ ۷:۱۶) پس چگونه روح القدس آمد؟ او آمد تا دائماً در کلیسا و در هر ایماندارانی ساکن گردد. تا زمان پنتیکاست، روح القدس با ایمانداران بود ولی از پنتیکاست به بعد او در ایشان ساکن شد (یوحنا ۱۴:۱۷). تا زمان پنتیکاست روح بخش شناخته شده در وجود ایمانداران بود - از این رو داود دعا کرد: «روح قدوس خود را از من مگیر (مزمور ۵۱:۱۱)». پس از پنتیکاست روح آمد تا برای همیشه در ایمانداران کلیسا در همه دورانها ساکن شد (یوحنا ۱۴:۱۶).

ما معتقدیم که روح القدس این جهان را به همان شکلی که در روز پنطیکاست آمد، ترک خواهد کرد. که این یعنی کلیسا و ایمانداران را ترک خواهد گفت. او هنوز هم در جهان خواهد بود، و مردم را به گناه ملزم کرده و ایشان را به ایمان نجات بخش در مسیح هدایت خواهد کرد. برداشته شدن او در زمان ربوده شدن به این معنا نیست که دیگر هیچکس در آن دوره یعنی مصیبت عظیم نجات نخواهد یافت. البته که ایشان نجات خواهند یافت. ولی این مردمان اعضای کلیسا نخواهند بود بلکه اعضای ملکوت پر جلال مسیح بر زمین در آن زمان.

۸:۲. پس از اینکه کلیسا به آسمان ربوده شد، آن بی‌دین به جهان ظاهر خواهد شد. در این آیه، پولس رسول از کار ضد مسیح گذشته و لعنت ابدی او را توصیف می‌کند. همچنین این آیه به نظر دارد می‌گوید که او به محض ظهورش هلاک خواهد شد ولی البته که این طور نیست. به او اجازه داده می‌شود که سلطنتی را که در آیات ۹-۱۲ به آن اشاره شده است برقرار سازد.

اگر اعتقاد ما مبنی بر اینکه مرد شریر پس از ربوده شدن ظاهر خواهد شد و تا زمان ظهور مسیح در زمین خواهد بود، پس اعمال شریرانه او تقریباً هفت سال طول می‌کشد - دوره مصیبت عظیم. خداوند عیسی او را به نفس دهان خود هلاک خواهد کرد (اشعیا ۱۱:۴؛ مکاشفه ۱۹:۱۵) و به تجلی ظهور خویش، او را نابود خواهد ساخت. کلمه‌ای از جانب مسیح و نوری که از ظهور او خواهد درخشید برای پایان کار آن سلطان کاذب و سرکش لازم است. تجسم آمدن مسیح، چنانچه توضیح داده شد زمانی است که او برای سلطنت هزار ساله به زمین باز می‌گردد.

۹:۲. ظهور مرد بی‌دین با عمل شیطان است. اعمال او به یادآورنده اعمال شیطان است چونکه بوسیله شیطان تجهیز می‌شود. او هرگونه معجزه و قوت و آیات و عجایب دروغ را بعمل خواهد آورد. در اینجا مهم است که به این امر توجه داشته باشیم که همه معجزات از خدا نیستند. شیطان و عاملین او می‌توانند معجزات ظاهر سازند. مرد بی‌دین نیز معجزات ظاهر خواهد نمود (مکاشفه ۱۳:۱۳-۱۵). معجزه‌ای که قدرت مافوق طبیعی را نشان می‌دهد و نه قوت آسمانی لزوماً از خدا نیست. معجزات خداوند ثابت می‌کردند که او مسیح موعود است و نه به سادگی چونکه آنها مافوق طبیعی بودند بلکه چون آنها نبوت‌هایی بودند که به انجام می‌رسیدند و شیطان نمی‌توانست آنها را بجا آورد چون اگر چنین می‌کرد بر ضد خودش عمل کرده بود.

۱۰:۲. ضد مسیح با عمل غیر اخلاقی از همه نوع شرارتی برای تباہ ساختن مردم استفاده خواهد کرد. آنانیکه انجیل را دروه فیض می‌شنوند ولی حقیقت را دوست نمی‌دارند، اگر ایشان ایمان می‌آوردند، نجات می‌یافتند. ولی حالا ایشان فریفته معجزات ضد مسیح شده‌اند.

۱۱:۲. خدا عملاً به ایشان عمل گمراهی را خواهد فرستاد تا دروغ را باور کنند. البته دروغ همانا ادعای خدا بودن ضد مسیح است. این مردمان از پذیرش عیسی مسیح به عنوان خدای مجسم سرباز می‌زنند. وقتی که او بر روی زمین بود، به انسانها هشدار داد: «من به اسم پدر خود آمده‌ام و مرا قبول نمی‌کنید؛ ولی هرگاه دیگری به اسم خود آید، او را قبول خواهید کرد». بنابراین حالا ایشان مرد شریر را که به نام خود می‌آید و می‌طلبد که مثل خدا

پرستیده شود می‌پذیرند. «نور رده شده همان نور انکار شده است». اگر شخصی در قلب خود بتی قرار دهد، خدا جواب او را بر طبق آن بت خواهد داد (حزقیال ۱۴:۴).

ضد مسیح احتمالاً یک یهودی خواهد بود (خروج ۹:۲۸-۱۰؛ دانیال ۱۱:۳۷-۳۸). یهودیان هرگز کسی را به عنوان مسیح موعود نخواهند پذیرفت مگر اینکه اجداد او از خاندان یهودا و داود باشند.

۱۲:۲. از این متن به نظر می‌آید که آنانی که انجیل را در دوران فیض شنیدند ولی به مسیح اعتماد نکردند، دیگر فرصتی برای نجات یافتن پس از ربوده شدن نخواهند داشت. اگر انسانها الان به عیسی مسیح ایمان نیاورند، بعداً به ضد مسیح ایمان خواهند آورد. در اینجا گفته شده است که همهٔ ایشان داوری خواهند شد چون که ناراستی را دوست داشته و از آن شاد گشتند. این ما را به یاد لوقا ۱۴:۲۴ می‌اندازد: «زیرا به شما می‌گویم هیچ یک از آنانی که دعوت شده بودند، شام مرا نخواهند چشید».

ما می‌دانیم که بسیاری از مردم در زمان مصیبت عظیم نجات خواهند یافت. صد و چهل و چهار هزار یهودی برای مثال نجات خواهند یافت و پیامبران خدا در وعظه انجیل در ملکوت خدا به جهان خواهند بود. از طریق خدمت ایشان بسیاری نجات خواهند یافت. ولی به نظر می‌آید که آنانی که نجات می‌یابند کسانی هستند که هرگز پیام انجیل را نشنیده‌اند و در این دوره هرگز واضحاً پیغام نجات دهنده را نشنیده‌اند که بخواهند رد کنند.

#### ۴. شکرگزاری و دعا (۲:۱۳-۱۷)

##### الف) شکرگزاری پولس از اینکه مقدسین از داوری رستگار خواهند شد (۲:۱۳-۱۴)

۱۳:۲ در دوازده آیه نخست، پولس لعنت ضد مسیح و پیروانش را توصیف کرد. حالا او به مسیحیان تسالونیکی رو کرده و دعوت و سرنوشت ایشان را کاملاً برعکس ضد مسیح و پیروانش است بیان می‌کند. او در حینی که به سرنوشت ایشان فکر می‌کند از خدا برای این برادران و عزیزان خداوند شکرگزاری می‌کند و راجع به نجات ایشان مختصری توضیح می‌دهد. گذشته، حال و آینده.

خدا شما را برگزید. کتاب مقدس واضحاً تعلیم می‌دهد که خدا انسانها از روی عمد نابودی خود را برمی‌گزینند. بدون مداخله خدا، همه انسانها تباہ خواهند شد. آیا خدا حق دارد بعضی را برای نجات یافتن برگزیند؟ اساساً آرزوی او این است که همه نجات یابند (اول تیموتائوس ۲:۴؛ دوم پطرس ۳:۹). بهر حال کتاب مقدس عام‌گرای و اینکه همه به نوعی نجات خواهند یافت را تعلیم نمی‌دهد.

از ابتدا، این به دو شکل می‌تواند خوانده شود. اول، می‌تواند به این معنا باشد که انتخاب خدا قبل از بنیاد عالم صورت گرفته است (افسیان ۱:۴). دوم، عبارت در ابتدا نشان می‌دهد که تسالونیکیان پیش از بوجود آمدن مسیحیت بوسیله خدا برگزیده شده بودند تا نجات یابند.

**برای نجات** این باید با آیات قبلی بطور عکس سنجیده شود بی‌ایمانان بوسیله بی‌ایمانی‌شان به هلاکت ابدی محکوم‌اند در حالیکه ایمانداران برای نجات برگزیده شده‌اند. به تقدیس روح در اینجا ما کار پیش‌گرایش روح‌القدس را داریم. او هر شخصی را از دنیا برای خدا جدا می‌سازد و ایشان را به گناه ملزم کرده و به سوی

مسیح می‌آورد. شخصی به خوبی گفته است: «اگر مسیح در کار نبود، هیچ جشنی وجود نمی‌داشت؛ اگر روح‌القدس در کار نبود هیچ مهمانی وجود نداشت!».

وایمان به راستی اول شما سهم خدا را در نجات داشتید؛ حالا سهم انسان را. هر دو لازم و ضروری هستند. بعضی مردم فقط می‌توانند انتخاب خدا را ببینند، و بطور تلویحی می‌گویند که انسان هیچ کاری در این زمینه نمی‌تواند انجام دهد. دیگران زیاد بر سهم انسان تأکید می‌کنند و انتخاب حاکمانه خدا را نادیده می‌گیرند. حقیقت در هر دوی اینها نهفته است. برگزیدگی و مسئولیت بشری هر دو جز آموزه‌های کتاب مقدس هستند و باید هر دوی آنها را باور کرد و تعلیم داد حتی اگر نمی‌توانیم درک کنیم که چگونه می‌تواند درست باشد.

۱۴:۲. و برای آن شما را دعوت کرد بوسیله بشارت ما. خدا از ازل ما را برای نجات برگزید. او ما را در آن زمان دعوت کرد. دعوت به زمانی اشاره می‌کند که یک شخص به حقیقت ایمان می‌آورد. بشارت ما به این معنی نیست که اناجیل هصیل دیگری وجود دارند. فقط یک انجیل وجود دارد ولی واعظین مختلف شنوندگان مختلفی هستند. پولس به بشارت خدا که بوسیله او موعظه می‌شد اشاره می‌کند.

برای تحصیل جلال خداوند عیسی مسیح. در اینجا پولس رسول سراغ آینده رفته و نتیجه نهایی نجات را می‌بیند. با مسیح بودن و به شباهت او در آمدن برای ابدیت.

داربی (J.N. Darby) تعلیم این آیه را به زیبایی در شعری جای می‌دهد:

آیا اینگونه است، به زودی شبیه تو می‌شوم؟

آیا این فیضی است که برایم در نظر داشت؟

پدر پر جلال! هجوم می‌آورند فکرها بر من!

در جلال، همانند یگانه مبارک او می‌شوم!

بنابراین در آیات ۱۳ و ۱۴ ما یک الهیات نظام‌مند کوچک داریم که خلاصه‌ای است از مجال قوم خدا برای ایمان آوردن به خدا و رسیدن به مقاصدی که او برایشان در نظر دارد. او به ما نجات می‌دهد که نجات اساساً یک انتخاب آسمانی است و بوسیله قدرت آسمانی میسر می‌گردد و از طریق یک پیغام آسمانی تأثیر می‌گذارد و در جلال آسمانی کامل خواهد شد.

ب: دعای پولس برای راحتی و پایداری مقدسین (۱۷-۱۵:۲)

۱۵:۲. مقدسین با توجه به دعوت فوق‌العاده‌شان ترغیب شده‌اند که در آن روایات و کلام و تعلیمی که از رساله رسولان آموخته‌اند استوار بمانند. نکته مهمی که در اینجا باید بدان توجه نمود این است که تنها روایاتی که از رسولان بطور الهامی بیان شده است قابل اقتدا می‌باشند. عیسی کاتبان و فریسیان را برای لغو کردن احکام خدا بوسیله روایات خود محکوم کرد (متی ۶:۱۵). پولس به کولسیان بر ضد روایات انسانی هشدار داد (کول ۲:۸) روایاتی که ما باید حفظ کنیم حقایق بزرگی هستند که برای ما در نوشته‌های مقدس ثبت گردیده‌اند.



این آیه گاهی اوقات برای صحیح جلوه دادن روایات و سنت کلیسایی یا رهبران مذهبی مورد استفاده قرار گرفته است. ولی هر روایتی که بر خلاف کلام خدا باشد بی ارزش و خطرناک است. اگر روایات انسانیهای معمولی مثل کتاب مقدس مورد پذیرش واقع شود، چه کسی می تواند تشخیص دهد که کدام روایت درست و کدام روایت غلط است؟

۱۶:۲ . پولس رسول که پیغامش را به مقدسین بیان کرده است حالا همان را دعا می کند. او معمولاً تعالیم خود را با دعا ادامه می دهد (اول تسالونیکیان ۵: ۲۳، ۲۴؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱۶). این دعا خطاب به خود خداوند ما عیسی مسیح و خدای پدر ماست. ما با هر دو شخصیت آسمانی که پولس عنوان کرده است آشنایی داریم و می دانیم که این دو یکی هستند ولی معمولاً نام پسر اول نمی آید. او البته در این آیه به اتحاد و تساوی کامل ایشان اشاره می کند. در یونانی، مبتدای جمع (مسیح و خدا) به همراه چهار فصل مشابه مفرد آمده است (محبت نمود، بخشید، تسلی داد، استوار گرداند). این جز نشانه یکی بودن طبیعت پسر و پدر در ذات خدا چه چیزی می تواند باشد؟

تدارک ازلی خدا به عنوان تشویقی برای اعتماد به وی برای آینده و شجاعت و قوت معرفی شده است. او ما را محبت نمود و نسلی ابدی و امید نیکو را به فیض خود به ما بخشید. بدون شک این به عظیم ترین عمل محبت خدا اشاره دارد. عطیه پسر خدا برای ما. چون ما می دانیم که او در جلجتا مسئله گناه را حل کرد و تا ابد تسلی یافته ایم و امید جلال آینده را دارا می باشیم - و همه اینها از طریق فیض او به ما بخشیده شده اند.

۱۷:۲ . دعای پولس این است که خدا دلهای مقدسین را تسلی عطا کند و ایشان را در هر فعل و قول نیکو استوار گرداند. نه فقط در سختیها ایشان را تسلی دهد بلکه به ایشان قوت بدهد تا در جنگ به پیش روند. کلمه عقب نشینی در لغت نامه پولس رسول وجود نداشت و نباید در لغت نامه ما هم باشد. نسبت به عبارت هر فعل و قول نیکو بی توجه نباشید. حقیقتی که بر زبان ماست کافی نمی باشد؛ این حقیقت باید در زندگی ما عملی شود. بنابراین در زندگی ما باید ترتیبی در تعالیم و اعمال باشند و ترتیبی در آموزه ها و وظایف و ترتیبی در موعظه و عمل.

## ۵. نصایح عملی (۱:۳-۱۵)

### الف) برای دعای دو جانبه (۱:۳-۵)

۱:۳ . پولس احساس می کرد که به دعای مقدسین احتیاج دارد. این باب با تقاضای او برای دعا در این سه حوزه شروع شد:

۱- برای انتشار پیغام

۲- پیروزی پیغام

۳- محافظت از پیغامبران.

او آرزو داشت که کلام خداوند جاری شود تصویر زیبایی از رفتن انجیل از مکانی به مکان دیگر با وجود موانع (مزمور ۱۴۷: ۱۵).

او همچنین آرزو داشت که کلام همان تأثیر فوق‌العاده و روحانی و اخلاقی خود را که در هر مکانی بر جای گذاشته است در تسالونیکه نیز بگذارد.

۲:۳ . تقاضای سوم این است که پولس رسول و همکارانش از مردم ناشایسته شریر برهند. به نظر می‌آید که او به مخالفان شخصی اشاره می‌کند که احتمالاً یهودیانی در قرن‌تس بودند (اعمال ۱۸: ۸-۱). انتخاب کلمه ناشایسته کاملاً مناسب است؛ هیچ چیزی ناشایست‌تر و غیر عقلانی‌تر از ضدیت مردم با انجیل و پیام آن وجود ندارد. این چیزی است که توضیح دادن را بی‌فایده می‌گرداند. ایشان شاید راجع به سیاست، علم یا یک موضوع و گروه خاصی بطور شایسته سخن گویند ولی وقتی که سخن از انجیل به میان می‌آید ایشان همه حس شایستگی خود را از دست می‌دهند.

۳:۳ . زیبایی آیه ۳ و ۲ را فراموش نکنید: «همه را ایمان نیست». «ولی خداوند امین است». این به ما تعلیم می‌دهد که نگاه خود را از انسانهای بی‌ایمان برداشته و به خدای شکست‌ناپذیر خود نگاه کنیم. او تا به پایان امین است (اول قرن‌تس ۱: ۹). او این است تا ما را از وسوسه برهاند (اول قرن‌تس ۱۰: ۱۳). او این است تا همه گناهان ما را بپارزد و ما را از ناراستی پاک کند (اول یوحنا ۱: ۹). و در اینجا او این است که ما را استوار و از شریر یعنی همان شیطان محفوظ بسازد.

۴:۳ . همه را ایمان نیست ... خداوند امین است ... بر شما در خداوند اعتماد داریم. چنانچه دنی (Denny) گفته است: «در خداوند شما می‌توانید به ضعیفان، معلولان و ناتوانان و سبک مغزان نیز اعتماد کنید». حالا پولس به مقدسین مسئولیت ایشان را برای انجام آنچه به ایشان امر فرموده بود یادآوری می‌کند. در اینجا مجدداً ما آمیخته شدن جالب و فوق‌العاده آسمان و بشر را داریم: خدا شما را حفظ خواهد کرد؛ حالا شما فرامین را حفظ کنید. این همان تعلیمی است که در اول پطرس ۵: ۱ دیده می‌شود: «که به قوت خدا محروس هستید (سهم او) از طریق ایمان (سهم ما)». ما همچنین در فیلیپیان ۲: ۱۲، ۱۳ نیز این را می‌بینیم: «نجات خود را به ترس و لرز بعمل آورید (سهم ما) زیرا خداست که در شما بر حسب رضامندی خود، هم اراده و هم فعل را بعمل ایجاد می‌کند (سهم او)».

۵:۳ . در زمان جفاها آسان است که تفکرات تلخ که در قبال دیگران داریم را پرورش دهیم چون در آن دوره رنج و درد زیاد است. برای همین خاطر بود که پولس رسول دعا کرد که تسالونیکیان مثل خدا محبت کنند و مثل مسیح صبور باشند. ترجمه جدید کینگ جیمز می‌گوید: «و خداوند دل‌های شما را به محبت خود و به صبر مسیح هدایت کند». در ترجمه سال ۱۶۱۱ به معنای صبر برای بازگشت مسیح بود. حالاً در ترجمه جدید به نظر به معنای نشان دادن همان صبر در سختیها می‌باشد مثل صبری که مسیح وقتی به عنوان انسانی بر روی زمین بود نشان داد و الان هم در آسمان نشان می‌دهد.

خداوند در این آیه می‌تواند به روح‌القدس اشاره داشته باشد، و همچنین جالب است بدانید که به هر شخصیت تثلیث در اینجا اشاره شده است چنانچه در ۲: ۱۳-۱۴ بود.

## ب) برای طرز رفتار با سرکشان (۶:۳-۱۵)

۶:۳. به نظر واضح می‌آید که بعضی از مقدسین در تسالونیکیه از کار کردن دست کشیده بودند چون مشتاقانه منتظر بازگشت خداوند بودند. پولس چنین عملی را به عنوان یک الگوی روحانی تشویق نمی‌کند، بلکه فرامین مشخصی برای طرز رفتار با چنین برادرانی اعلان می‌کند. فرامین او در شکل دستوری مبنی بر اجتناب کردن از هر برادری است که بی‌نظم رفتار می‌کند، که این یعنی آنانی که با دیگران همگام نبودند و از کار کردن امتناع می‌ورزند و دیگران را تیغ می‌زدند (آیات ۱۰ و ۱۱ را نگاه کنید). ایمانداران می‌بایست بوسیله عدم معاشرت با چنین اشخاصی عدم موافقتشان را با عمل آنها نشان می‌دادند. این خطا آنقدر عظیم و جدی نبود که نیاز به اخراج از کلیسا باشد.

قانونی که تسالونیکیان از پولس رسول یافته بودند این بود: کار سخت، سخت‌کوشی و ایستادن روی پای خود. ۷:۳. او شغل خود را ترک نکرد بدین خاطر که می‌دانست خداوند عیسی دوباره خواهد آمد. بجای این کار او هر لحظه انتظار داشت که عیسی بیاید ولی به همین منوال طوری خدمت و کار می‌کرد که گویی می‌دانست خداوند تا پایان عمر وی بازگشت نخواهد نمود.

۸:۳. هیچکس نمی‌توانست او را محکوم کنید که خود را در خانه کسی دعوت نموده و از غذای کس دیگر یا درآمد شخصی دیگر خورده باشد. او در حینی که انجیل را موعظه می‌نمود برای گذران زندگی خود نیز کار می‌کرد. این یعنی روزهای بسیار و شبهای خسته کننده ولی پولس تصمیم گرفته بود تا بر احدی از ایشان بار نهد. ۹:۳. پولس رسول به عنوان واعظ انجیل حق داشت بوسیله کسانی که از طریق خدمت او تغییر گرایش داده بودند حمایت مالی شود (اول قرنیتیان ۶:۹-۱۴؛ اول تیموتائوس ۵:۱۸). ولی او ترجیح داده بود که حق خود را کنار گذاشته و بتواند نمونه‌ای از یک خادم مستقل و با پشتکار باشد.

۱۰:۳. به تسالونیکیان دستور داده شده بود تا با انسانهای طفره رو معاشرت نکنند. اگر یک مسیحی که از لحاظ جسمی سالم است و قادر به کار کردن می‌باشد از کار اجتناب کند، غذا هم نباید بخورد. آیا این امر با حقیقت مسیحیت که ایمانداران در هر حال باید مهربان باشند در تضاد نیست؟ هرگز! تشویق تنبلی هرگز مهربانی نمی‌باشد. اسپر جان می‌گوید: «حقیقی‌ترین محبت در قبال کسانی که در اشتباه هستند برادری کردن در اشتباهاتشان نیست بلکه وفادار بودن به عیسی در همه چیز».

۱۱:۳. حالا پولس که از یک بازی با کلمات زیبا استفاده می‌کند تا تناقض روحانیت کاذب برادران بی‌نظم را بیان کند. کلمات او بدین اشکال زیر تعبیر شده‌اند:

- ۱- بعضی در میان شما که کاری نمی‌کنند بلکه فضول هستند.
- ۲- بعضی در میان شما که مشغولیتی ندارند بلکه فضول هستند.
- ۳- بعضی در میان شما که مشغولیتی در کاری ندارند بلکه در فضولی بسیار پر مشغله هستند.
- ۴- به کار همه کس کار دارند جز کار خودشان.

۱۲:۳ . به همه این اشخاص در خداوند ما عیسی مسیح حکم شده است تا به آرامی کار کرده، نان خود را از معشیت خود بخورند. این شهادت نیکویی است و خدا را جلال می دهد.

۱۳:۳ . آنانی که وفادارانه و صادقانه کار می کنند تشویق به ادامه دادن کارشان شده اند. این آخر مسابقه است که به حساب می آید و نه شروع آن؛ پس ایشان نمی بایست از نیکو کاری خسته خاطر شوند.

۱۴:۳ . ولی راجع به شخصی که از اطاعت فرامین پولس رسول در اسن رساله سرباز زند چطور؟ مسیحیان دیگر باید او را به وسیله عدم معاشرت با وی تنبیه کنند. هدف این تنبیه این است مه او از رفتار خود شرمند شده و مجبور شود به رفتارش فکر کند.

۱۵:۳ . بهر حال، این تنبیه نباید مثل اخراج از کلیسا شدید باشد. در اینجا خاطی هنوز هم یک برادر است. در اخراج از کلیسا، شخص به عنوان یک خارجی و یا یک باج گیر شناخته می شود (متی ۱۷:۱۸).

تنبیه یک ایماندار همیشه باید در جهت احیای او و بازگشت وی نزد خداوند و قوم خدا باشد. این تنبیه نباید در روح تلخی یا خصومت انجام گیرد بلکه با روح تواضع و ثبات با شخصی خاطی نباید مثل یک دشمن رفتار شود بلکه مثل یک برادر.

امروزه برای ما عجیب بنظر می آید که مسیحیان تسالونیکیه تا این حد شوق بازگشت خداوند را داشته باشند که مشاغل خود را ترک کنند. امروزه چنین خطری به نظر زیاد برای کلیسا نهدیدی نمی باشد! در واقع ما الگویی بر عکس را شاهد هستیم. ما چنان با پول درآوردن و کار خود مشغول شده ایم که تازگی و هیجان امید بازگشت قریب الوقوع او را از دست داده ایم.

## ۶- دعای خیر و تحیات (۱۸-۱۶:۳)

۱۶:۳ . این آیه تحت عنوان پایانی صلح آمیز برای رساله ای طوفانی شناخته شده است. پولس در این آیه دعا می کند که مقدسین رنج دیده در تسالونیکیه در هر صورتی سلامتی خداوند را دارا باشند.

یک مسیحی در این دنیا به هیچ چیزی جز آرامی خود نمی تواند وابسته باشد. این آرامی بر پایه شخصیت و کار خداوند عیسی است. دنیا نمی تواند آن را بدهد یا باز پس گیرد. ولی باید در همه شرایط زندگی این سلامتی را در خود داشته باشیم. سلامتی پایان جفا نیست، بلکه آرامش قلبی است که از ایمان به خدا ناشی می شود و در هر شرایطی وجود دارد.

۱۸، ۱۷:۳ . در این قسمت پولس رسول ظاهراً قلم را دست نویسنده می گیرد و آخرین تحیت را به قلم خوش می نگارد. او تحیت خود را که در هر رساله با علامت خاصی نوشته می شود بیان می کند. بعضی این گفته را چنین درک کرده اند که هرگاه دست خط پولس در پایان نامه ای باشد لزوماً ثابت می شود که آن نامه اصل است. دیگران معتقدند که این نشانه همان دعای خیر مخصوص پولس است. فیض خداوند ما عیسی مسیح با جمیع شما باد (رومیان ۱:۲۴؛ اول قرنیتیان ۲۳:۱۶؛ دوم قرنیتیان ۱۳:۱۴؛ غلاطیان ۶:۱۸؛ افسسیان ۶:۲۴؛ فیلیپیان ۴:۲۳؛ کولسیان ۴:۱۸؛ اول

تسالونیکیان ۲۸:۵؛ اول تیموتائوس ۶:۲۱؛ دوم تیموتائوس ۴:۲۲؛ تیطس ۴:۲۲؛ فلیمون ۲۵ و اگر پولس عبرانیان را نوشته باشد، عبرانیان ۱۳:۲۵). از این اشارات، ما شاهد هستیم که همه آنها با عبارات فیض به اتمام می‌رسند.

### نکاتی در باب ربوده شدن کلیسا

حقیقت بازگشت خداوند در هر کدام از بابهای رساله اول تسالونیکیان و در دو باب اول رساله دوم تسالونیکیان آمده است. این یک محتوای مشترک است که از طریق یک الگوی خاص دو رساله را به هم مربوط ساخته است.

ولی ما همیشه باید به یاد داشته باشیم که نبوت برای نیروی عقلانی یا برطرف ساختن حس کنجکاوی ما طراحی نشده است. هدف نبوت تأثیر گذاری مثبت در زندگی‌هایمان است. برای ایمانداران، امید بازگشت قریب‌الوقوع مسیح دارای ملزوماتی عملی و علائم زیادی است.

۱. باید بر زندگی‌های ما تأثیر مثبتی داشته باشد (اول تسالونیکیان ۵:۲۳؛ اول یوحنا ۳:۳)

۲. باید بار دعا و کار برای نجات گم شدگان را در ما قرار دهد (پیدایش ۱۹:۱۴؛ حزقیال ۳۳:۶؛ یهودا ۲۱-۲۳)

۳. باید ما را به استواری در جفاها و سختیها تشویق کند (روم ۸:۱۸؛ دوم قرنتیان ۴:۱۷؛ اول تسالونیکیان ۴:۱۳-۱۸).

۴. باید ما را از جمع کردن ثروت برای خود باز دارد؛ چنانچه به آمدن او نزدیک می‌شویم. ارزش ثروتهایمان کم می‌شود (رک لاویان ۲۵:۸-۱۰، ۱۶-۱۴).

۵. باید ما را مجبور کند از هر کس که نسبت به او خطا ورزیده‌ایم عذر خواهی کرده و اگر لازم باشد خطایمانرا جبران کنیم (متی ۵:۲۴؛ یعقوب ۵:۱۶)

۶. باید ما را برای خدمت سخت کوشانه تجهیز نماید تا بدانیم که شب نزدیک است و در شب نمی‌توان کاری انجام داد (یوحنا ۹:۴؛ اول تسالونیکیان ۱:۹، ۱۰ الف)

۷. باید ما را از رفتار متوقعانه باز دارد (لوقا ۱۲:۳۶) و ما قادر سازد تا به هنگام آمدن او شرمنده نباشیم (اول یوحنا ۲:۲۸)

۸. باید ما را برای اقرار به مسیح شجاع بسازد (مرقس ۸:۳۸؛ لوقا ۹:۲۶).

۹. باید ثابت شود که امید آرامی بخش است (یوحنا ۱:۱۴-۳، ۲۸؛ اول تسالونیکیان ۴:۱۸؛ دوم تسالونیکیان ۱:۷؛ دوم تیموتائوس ۲:۱۲)

۱۰. باید برای اعتدال، اصالت و نظم مشوق باشد (فیلیپیان ۴:۵)

۱۱. باید انگیزه‌ای برای محبت و اتحاد باشد (اول تسالونیکیان ۳:۱۳، ۱۳)

۱۲. باید رفتار دنیای دیگر را تشویق کند (کولسیان ۳:۱-۴)

۱۳. باید برای آمدن و پاداش گرفتن از خداوند نقش یاد آورنده‌ای را ایفا کند (رومیان ۱۴:۱۰-۱۲؛ اول قرنتیان ۳:۱۱-۱۵)

۱۴. باید به عنوان عاملی قدرتمند در جهت جذب شخصی به موعظه انجیل مورد استفاده قرار گیرد (اعمال ۱۹:۳-۲۱؛ مکاشفه ۳:۳)

برای کسانی که ایماندار نیستند، حقیقت بازگشت مسیح باید ایشان را به توبه از گناهانشان ملزم کرده و وا دارد که طرز زندگی‌شان را به او به عنوان خداوند و نجات دهنده تسلیم کنند. فقط کسانی که در مسیح هستند با او در زمان ربوده شدن خواهند بود. بقیه ایشان برای داوری کنار خواهند رفت. ولی اگر امروز زمان آن باشد چطور؟ بخاطر اهمیت آمدن مسیح در رساله تسالونیکیان و زندگی مسیحی ما این ملاحظات مختصر را اضافه می‌کنیم:

مباحثی برای ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم:

۱- اولین بحث بر پایه مشرف به وقوع بودن آن است. نوشته‌های مقدس بسیاری وجود دارند که نشان می‌دهند مسیحیان می‌بایست هر لحظه منتظر آمدن خداوند باشند. ما باید منتظر بوده و بنگریم، چون زمان آمدن او را نمی‌دانیم. اگر کلیسا می‌بایست وارد دوره مصیبت عظیم می‌شد، پس ما هر لحظه نمی‌توانستیم منتظر او باشیم. در حقیقت، او نمی‌تواند حداقل قبل از هفت سال بیاید از آنجاییکه ما حالا در دوران مصیبت عظیم نیستیم و زمانی که این دوران بیاید حداقل هفت سال به طول می‌انجامد. نظریه ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم تنها نظریه‌ای است که شما می‌توانید بپذیرید و معتقد باشید که بر طبق آن مسیح هر لحظه ممکن است بیاید.

در اینجا آیه‌ای وجود دارند که نشان می‌دهند شما باید پیوسته منتظر آمدن خداوند باشید اگر چه نمی‌دانیم زمان این واقعه کی خواهد بود.

«و نه این فقط، بلکه ما نیز که نوبر روح را یافته‌ایم، در خود آه می‌کشیم در انتظار پسر خواندگی یعنی خلاصی جسم خود» (روم ۸:۲۳).

«زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهر می‌نمایید تا هنگامیکه باز آید» (اول قرن‌تین ۱۱:۲۶) - این برای قرن‌تین نوشته شده است تا بطور تلویحی نشان دهد که خداوند هر لحظه امکان داشت در حین زندگی‌شان بازگشت کند.

«زیرا که در این هم آه می‌کشیم، چونکه مشتاق هستیم که خانه خود را که از آسمان است بپوشیم» (دوم قرن‌تین ۵:۲) - ایمانداران در زمان ربوده شدن بوسیله بدنهای جلال یافته پوشیده خواهند شد.

«زیرا که ما بواسطه روح از ایمان مترقب امید عدالت هستیم» (غلا ۵:۵) - امید عدالت، آمدن خداوند و جلال یافتن بدنهایمان می‌باشد که در آن زمان بوقوع خواهند پیوست.

«اما وطن ما در آسمان است که از آنجا نیز نجات دهنده یعنی عیسی مسیح خداوند را انتظار می‌کشیم، که شکل جسد ذلیل ما را تبدیل خواهد نمود تا به صورت جسد مجید او مصور شود، بر حسب عمل قوت خود که همه چیز را مطیع خود بگرداند» (فیل ۳:۲۱، ۲۰).

«اعتدال شما بر جمیع مردم معروف شود. خداوند نزدیک است» (فیل ۴:۵).

«زیرا خود ایشان درباره ما خبر می‌دهند که چه قسم وارد به شما شدیم و به چه نوع شما از بتها به سوی خدا بازگشت کردید تا خدای حی حقیقی را بندگی نمایید، و تا پسر او را از آسمان انتظار بکشید که او را از مردگان برخیزانید، یعنی عیسی که ما را از غضب آینده می‌رهاند» (اول تسالونیکیان ۱:۹، ۱۰).

«و آن امید مبارک و تجلی جلال خدای عظیم و نجات دهنده خود ما عیسی مسیح را انتظار می‌کشیم» (تبط ۲:۱۳).

«همچنین مسیح نیز چون یکبار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه، برای کسانی که منتظر او می‌باشند، ظاهر خواهد شد بجهت نجات» (عبر ۹:۲۸).

«زیرا که بعد از اندک زمانی، آن آینده خواهد آمد و تأخیر نخواهد نمود» (عبر ۱۰:۳۷).

«پس ای برادران، تا هنگام آمدن خداوند صبر کنید. اینک دهقان انتظار می‌کشد برای محصول گرانبهای زمین و برایش صبر می‌کند تا باران اولین و آخرین را بیابد. شما نیز صبر نمایید و دل‌های خود را قوی سازید زیرا که آمدن خداوند نزدیک است. ای برادران، از یکدیگر شکایت می‌کنید، مبادا بر شما حکم شود. اینک داور بر در ایستاده است» (یعقوب ۵:۷-۹).

«لکن انتهای همه چیز نزدیک است. پس خرد اندیش و برای دعا هشیار باشید» (اول پطرس ۴:۷).

«هر کس که این امید را بر وی دارد، خود را پاک می‌سازد چنانکه او پاک است» (اول یوحنا ۳:۳).

«خویشتن را در محبت خدا محفوظ دارید و منتظر رحمت خداوند ما عیسی مسیح برای حیات جاودانی بوده باشید» (یهو ۲۱) - در اینجا رحمت خداوند ما عیسی مسیح بازگشت اوست برای بردن قومش به آسمان.

«بزودی می‌آیم، پس آنچه داری حفظ کن مبادا تاج تو را کسی بگیرد» (مکا ۳:۱۱).

«و اینک به زودی می‌آیم. خوشبحال کسی که کلام نبوت این کتاب را نگاه دارد» (مکا ۲۲:۷).

«و اینک به زودی می‌آیم و اجرت من با من است تا هر کس را بر حسب اعمالش جزا دهم» (مکا ۲۲:۱۲).

«او که بر این امور شاهد است، می‌گوید: بلی به زودی می‌آیم! آمین، بیا ای خداوند عیسی!» (مکا ۲۲:۲۰).

متون دیگری وجود دارند که اگر چه مستقیماً به ربنده شدن اشاره ندارند ولی اثری اساسی بر ما در مورد آمدن مسیح که قریب‌الوقوع است می‌گذارند. کلیسای مقدسین در طول تاریخ این نظریه را قبول داشته است که آمدن مسیح ناشناخته است و بنابراین در هر لحظه‌ای ممکن است بوقوع بپیوندد.

«پس بیدار باشید زیرا که نمی‌دانید در کدام ساعت خداوند شما می‌آید. لیکن این را بدانید که اگر صاحب خانه می‌دانست در چه پاس از شب دزد می‌آید، بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت که به خانه‌اش نقب زند. لهدا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبردید، پسر انسان می‌آید» (متی ۲۴:۴۲-۴۴).

«ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچکس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس بر حذر و بیدار شده، دعا کنید زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود. مثل کسی که عازم سفر شده، خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده، هر یکی را به شغلی خاص مقرر نماید و درمان را امر فرماید که بیدار بماند. پس بیدار

باشید زیرا نمی‌دانید که در چه وقت صاحب خانه می‌آید، در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. اما آنچه به شما می‌گویم، به همه می‌گویم، بیدار باشید» (مرقس ۱۳: ۳۲-۳۷).

«و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی‌درنگ برای او باز کنند» (لوقا ۱۲: ۳۶).

«بجدی که در هیچ بخششی ناقص نیستید و منتظر مکاشفه خداوند ما عیسی مسیح می‌باشید» (اول قرنتیان ۱: ۷).  
«تو را در حضور خدا و مسیح عیسی که بر زندگان و مردگان داوری خواهد کرد قسم می‌دهم و به ظهور و ملکوت او» (دوم تیموتائوس ۴: ۱).

«ای بچه‌ها، این ساعت آخر است و چنانچه شنیده‌اید که در حال می‌آید، الحان هم دجالان بسیاری ظاهر شده‌اند و از این می‌دانیم که ساعت آخر است» (اول یوحنا ۲: ۸).

«زیرا هرگاه بیدار نباشی، مانند درد بر تو خواهم آمد و از ساعت آمدن من بر تو مطلع نخواهی شد» (مکا ۳: ۳ب).

«اینک چون دزد می‌آیم! خوشابحال کسی که بیدار شده، رخت خود را نگاه دارد، مبادا عریان راه رود و رسوایی او را ببینند» (مکا ۱۶: ۱۵).

۲- دومین بحث بر پایه این وعده است که کلیسا از غضب آینده خواهد رست. در رومیان ۹: ۵، پولس می‌گوید: «بوسیله او از غضب نجات خواهیم یافت». اول تسالونیکیان ۱: ۱۰ عیسی مسیح خداوند را به عنوان رهاننده ما از غضب آینده توصیف می‌کند و در اول تسالونیکیان ۹: ۵ ما می‌آموزیم که خدا ما را برای غضب برنگزیده است بلکه برای تحصیل نجات بوسیله خداوند عیسی مسیح. کلمه غضب می‌تواند به غضب دوره مصیبت عظیم اشاره داشته باشد یا می‌تواند به داوری نهایی خدا بر بی‌ایمانان اشاره کند. در رسالات تسالونیکیان، متن به غضب دوره مصیبت عظیم توجه دارد (به اول تسالونیکیان ۵: ۲، ۳؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۶-۱۰؛ ۲: ۱۰-۱۲ نگاه کنید).

۳- در مکاشفه ۳: ۱۰، مسیح وعده می‌دهد که قوم خود را از (یونانی: ek به معنای خارج از) ساعت امتحان که بر تمامی دنیا خواهد آمد حفظ خواهد نمود.

۴- ساختار کتاب مقدس در خود، تعالیم ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم را دارا می‌باشد. در بابهای ۲ و ۳، کلیسا بر روی زمین دیده می‌شود ولی پس از باب ۳ به نظر دیگر هرگز بر روی زمین نخواهد بود. در بابهای ۴ و ۵ مقدسین در آسمان دیده می‌شوند که در حال دریافت تاجهای جلال خود می‌باشند. سپس در بابهای ۶-۱۹ ما شاهد دوره مصیبت عظیم بر روی زمین هستیم. مقدسین کلیسا در این زمان در آسمان هستند.

۵- دوره مصیبت عظیم تا زمانیکه مرد شریر ظاهر نشود نخواهد آمد (دوم تسالونیکیان ۲: ۳). ولی مرد شریر تا زمانیکه عامل مانع برداشته نشود ظاهر نخواهد شد (دوم تسالونیکیان ۲: ۷، ۸). روح القدس مطمئناً همان عامل مانع است؛ او مانع توسعه کار شیطان بر روی زمین در حین حضور کلیسا بر روی زمین می‌باشد. در زمان ربوده شدن، روح القدس از سکونت در کلیسا برداشته می‌شود.



به یک معنا، روح القدس همیشه در جهان هست و خواهد بود. ولی مفهوم خاصی در فرود آمدن او از زمان پنطیکاست به بعد و حضور دائمی او در کلیسا و ایمانداران می‌باشد. در این مفهوم است که او در زمان ربوده شدن برداشته خواهد شد. این امر بدین معنا نیست که روح خدایدیگر دوره مصیبت عظیم خدمت نخواهد نمود. او هنوز هم گناهکاران را ملزم کرده و از راه‌های بدشان بازگشت می‌دهد. ولی او بطور دائم در ایشان ساکن نمی‌شود و روح القدس ایشان را به کلیسا نمی‌پیوندد. خدمت او در بعضی جهات شبیه خدمتش در دوره عهد عتیق است.

۶- در اول تسالونیکیان ۴:۱۸، از ربوده شدن به عنوان دور نمای تسلی سخن به میان آمده است. روز خداوند همانند تسلی دهنده نخواهد آمد بلکه مانند دزدی در شب (اول تسالونیکیان ۵:۲). این زمان درد زه می‌باشد (آیه ۳) و غضب (آیه ۹). برعکس، ربوده شدن امید تابان است و نه امید ترس.

۷- باید یک فاصله زمانی بین آمدن مسیح برای مقدسینش و آمدن او با مقدسینش باشد. زمانیکه مسیح برای مقدسینش آمد، همه ایمانداران جهان به بالا برده شده و بدنهای جلال یافته خود را دریافت خواهند نمود (اول قرن‌تیان ۱۵:۵۱). وای وقتی که مسیح برای سلطنت بازگردد، ایماندارانی وجود خواهند داشت که هنوز در بدنهای طبیعی خود هستند و بوسیله این حقیقت می‌توان این را دید که آنها بچه‌های در حال رشدی هستند (اش ۶۵:۲۰-۲۵؛ زکریا ۸:۵). اگر ربوده شدن و ظهور در یک زمان به وقوع می‌پیوستند (نظریه پس از مصیبت عظیم)، پس این نجات یافتگان اخیر از کجا پیدایشان شده؟

این دلیل دومی است برای اینکه چرا می‌بایست فاصله زمانی بین ربوده شدن و سلطنت وجود داشته باشد. تخت داوری مسیح در زمان ربوده شدن در آسمان است و خداوند وفاداری مقدسینش را داوری کرده‌و به ایشان بر طبق آن پاداش خواهد داد (دوم قرن‌تیان ۵:۱۰). پاداشها در این زمان اندازه وسعت حکومت هر ایماندار در دوره سلطنت همزمان بوقوع می‌پیوستند، هیچ زمانی برای برقرار شدن تخت داوری مسیح وجود نمی‌داشت.

۸- تنها راهی که روز خداوند یک شخص را گرفتار می‌سازد همانند آمدن دزد در شب است (اول تسالونیکیان ۲:۵). در حالیکه پولس مستقیماً می‌گوید که ایمانداران همانند دزد در شب غافلگیر نخواهند شد (اول تسالونیکیان ۴:۵). پس هرگز روز خداوند چون دزد بر ایمانداران نخواهد آمد. چرا نه؟ خدا ایمانداران را برای غضب بر نگزیده است (اول تسالونیکیان ۹:۵).

۹- در زمان ربوده شدن، ایمانداران به خانه پدر خواهند رفت (یو ۱:۳)، نه مستقیم به زمین چنانچه نظریه پس از مصیبت عظیم عنوان می‌کند.

۱۰- مصیبت عظیم واضحاً یک دوره یهودی است. این زمان تنگی یعقوب خوانده شده است (ار ۷:۳۰). به اشاراتی که در متی ۲۴: یهودیه (آیه ۱۶)، سبت (آیه ۲۰)، مکان مقدس (آیه ۱۵) شده است توجه کنید. این الگوها هیچ ربطی به کلیسا ندارند.

۱۱- نمونه‌های زیادی در عهد عتیق به ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم اشاره دارند. ما آموزه خود را بر پایه نمونه‌ها نمی‌سازیم بلکه این نمونه‌ها با نظریه ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم سازگار هستند.

خنوخ، یک نمونه کلیسا، قبل از اینکه داوری خدا بر زمین فرود آید به آسمان بالا برده شد در حالیکه نوح و خانواده‌اش، نمونه‌هایی از ایمانداران یهودی باقی مانده، در حین طوفان بر زمین باقی ماندند. لوط از سدوم قبل از اینکه داوری بر آن شهر فرود آید رهایی یافت. گذاران اسحاق توسط ابراهیم، گذراندن پسر خدا توسط وی در جلجتا را به تصویر کشید. اولین باری که پس از آن واقعه از اسحاق نام برده شده است در زمانی است که او برای ملاقات همسرش رفته و آن دختر را به خانه‌اش می‌برد. به همین منوال ظهور اول مسیح پس از صعودش نیز برای بردن عروسش به آسمان خواهد بود. ایلیا قبل از فرود آمدن داوری خدا توسط ایزابل شرور به آسمان بالا برده شد. ۱۲- اولین شصت و هفتمین هفته نبوت دانیال (۲۴:۹-۲۷) به اندازه فرمان اردشیر در سال ۴۴۵ قبل از میلاد تا زمان مصلوب شدن مسیح بود. این ربطی به کلیسا ندارد. پس چرا باید کلیسا در هفته هفتادم یافت شود که دوره مصیبت عظیم است؟ (عملاً دوران کلیسا بین هفته شصت و نهم و هفتادم می‌باشد).

مباحثی بر ضد ربنده شدن قبل از مصیبت عظیم و در حمایت از نظریه ربنده شدن پس از مصیبت عظیم:  
۱- وعده مکاشفه ۱۰:۳ این نیست که مقدسین از دوره مصیبت عظیم نجات خواهند یافت بلکه ایشان از آن محفوظ خواهند ماند (با یوحنا ۱۷:۱۵ مقایسه کنید).

جواب: کلمه‌ای که از آن ترجمه شده است به طور تحت الفظی به معنای خارج از آن می‌باشد. حرف اضافه (ek) در یونانی به معنای خارج از می‌باشد. پس تعلیم این نیست که کلیسا در دوره مصیبت عظیم حفظ خواهد شد بلکه به طور کل به خارج از جهان برده خواهد شد تا از بلاهای محفوظ بماند.

همین کلمات در یوحنا ۱۷:۱۵ مورد استفاده قرار گرفته‌اند یعنی در جاییکه عیسی دعا می‌کند: «خواهش نمی‌کنم که ایشان را از جهان ببری، بلکه تا ایشان را از شریر نگاه داری». پلامر (Plummer) اینگونه تفسیر می‌کند: «درست چنانچه شاگردان مسیح با او راه رفته و محفوظ بودند همچنین در روز ظهور آن مرد شریر نیز حفاظت خواهند شد». این دعا جواب داده شده است؛ ایمانداران از سلطنت شیطان رهایی یافته‌اند و به ملکوت پسر حبیب خدا منتقل گشته‌اند.

۲- نسخه یونانی رومیان ۳:۵ می‌گوید: «مصیبت صبر می‌کند».

جواب: پولس نمی‌گوید تنها زمانی که مصیبت صبر می‌کند در حین دوره مصیبت عظیم است. بحث او واضحاً این است مصیبتی که ایمانداران متحمل می‌شوند در این زندگی برایشان صبر پدید می‌آورد. همچنین در یونانی چنانچه در فرانسوی و اسپانیولی است، اسامی مجرد غالباً حرف تعریف هستند از این رو ترجمه مصیبت درست است.

۳- به مسیحیان همیشه وعده مصیبت عظیم داده شده است (یوحنا ۱۶:۳۳). هیچ دلیلی مبنی بر اینکه چرا کلیسا نباید به آن وارد شود در کلام نیامده است.

جواب: هیچکس این را رد نمی‌کند، «با مصیبت‌های بسیار می‌باید داخل ملکوت خدا گردیم.» (اعمال ۱۴:۲۲) ولی تفاوت بزرگی میان مصیبتی که هر ایماندار در طول زندگی خود می‌بیند و دوره مصیبت عظیم که جهان مسیح را رد می‌کند وجود دارد.

۴- دوم تسالونیکیان ۱:۷ نشان می‌دهد که مقدسین تا زمانیکه خداوند عیسی مسیح به زمین در زمان پایان مصیبت عظیم باز نگردد، آرامی نخواهند یافت.

جواب: تسالونیکیان که این نامه بدیشان نوشته شده است در حال حاضر در آسمان آرامی یافته‌اند. ولی لغتی که به جفاکنندگان ایشان خواهد رسید زمانیکه در جهان مجسم خواهد شد که خداوند عیسی مسیح با قوت و جلال عظیم به زمین بازگردد.

۵- بر طبق اعمال ۳:۲۱، آسمانها می‌بایست خداوند عیسی را تا زمان معاد همه چیز بپذیرد که این یعنی زمان سلطنت هزار ساله.

جواب: این کلمات خطاب به قوم اسرائیل بوده است (آیه ۴). تا آنجاییکه به قوم اسرائیل مربوط می‌شود، این جمله حقیقت دارد. این آیه کلمات نجات دهنده بر سر راه اورشلیم در متی ۲۳:۳۹ را تأیید می‌کنند: «زیرا به شما می‌گویم از این پس مرا نخواهید دید تا بگوئید مبارک است او که به نام خداوند می‌آید». این امر در پایان دوره مصیبت عظیم بوقوع خواهد پیوست. ولی کلیسا ربوده شده و برای هفت سال به آسمان بالا برده خواهد شد.

۶- مزمور ۱۱۰:۱ می‌گوید که مسیح زمانی به دسا راست خدا خواهد نشست که دشمنانش پای انداز او شوند. این در زمان پایان دوره مصیبت عظیم خواهد بود.

جواب: در مکاشفه ۹،۸:۲۰، ما راجع به بعضی از دشمنان مسیح در پایان زمان سلطنت هزار ساله می‌خوانیم - این یعنی هزار سال پس از مصیبت عظیم. دست راست خدا می‌تواند توصیفی برای جایگاه قدرت و احترام و قوت باشد و نه یک موقعیت جغرافیایی.

۷- در تیطس ۲:۱۳، امید مبارک همان ظهور پر جلال است. بنابراین ربوده شدن همزمان با ظهور بوقوع خواهد پیوست. پس، ما منتظر ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم نیستیم بلکه آمدن مسیح بجهت سلطنت انتظار می‌کشیم.

جواب: بحث بر پایه گرامر زبان یونانی شکل گرفته است: وقتی که دو اسم بوسیله کلمه "و" با هم مربوط می‌شوند (در یونانی kai) در واقع هر دو مورد مشابه هستند و حرف تعریف معلوم با اسم اول می‌آید و نه اسم دوم، اسم دوم به همان شخص یا چیز اشاره دارد که اسم اول دارد و در واقع توصیف اضافی بر آن است و این قانون را در اصطلاح علم نحو می‌گویند. برای مثال، تیطس ۲:۱۳ می‌گوید: «و آن امید مبارک و تجلی جلال خدای عظیم و نجات دهنده خود ما عیسی مسیح را انتظار می‌کشیم». کلمات "خدا" و "نجات دهنده" به وسیله "و" به هم مربوط شده‌اند؛ هر دوی اینها یک مورد را به ما نشان می‌دهند؛ حرف تعریف معلوم با "خدای" می‌آید و نه "نجات دهنده". بنابراین بر طبق قانون نحو، کلمه "نجات دهنده" به همان شخص "خدا" اشاره دارد و توصیفی اضافی بر آن است. این البته ثابت می‌کند که نجات دهنده ما عیسی مسیح، خداست.

حالا در همین آیه چنانچه یونانی می گوید: «و آن امید مبارک و تجلی جلال عظیم... را انتظار می کشیم». بر طبق قانون نحو در زبان یونانی، امید مبارک همان تجلی عظیم می باشد و از آنجاییکه تجلی جلال عظیم اساساً با آمدن مسیح بای سلطنت یکی درک شده است، امید ایمانداران ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم نیست بلکه آمدن مسیح در جلال به زمین.

دو جواب برای این بحث وجود دارد. اولاً، همانند همه قوانین، قانون نحو نیز استثنائاتی دارد. یکی را می توان در لوقا ۲۳:۱۴ یافت در جاییکه در نسخه یونانی چنین ولی اگر این آیات نیز به آمدن مسیح برای سلطنت اشاره داشته باشند، باید واضح باشد که امید ایماندار شامل همه برکات نبوتی آینده می شود. ما به ربوده شدن نظر داریم و منتظر آمدن مسیح برای سلطنت هزار ساله و خانه ابدی هستیم.

۹- امید سنتی کلیسا ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم نبوده است. این فقط در ۱۶۰ سال اخیر یا از طریق تعالیم داری وارد صحنه روزگار شده است.

جواب: کلیسای عهد جدید منتظر آمدن پسر خدا از آسمان بوده است. مقدسین نمی دانستند که او در چه زمانی خواهد آمد بنابراین همیشه منتظر بودند.

مباحثی که بر پایه اینکه آیا شخصی چیزی را تعلیم داده یا نداده است استوار هستند اصطلاحاً، حمله یا اعتراض به اشخاص نامیده می شوند و به عقب مربوطه زیاد ارتباطی ندارند. مسئله این است که کتاب مقدس چه تعلیمی می دهد؟ نه اینکه فلانی چه تعلیمی داده است؟

۱۰- آخرین صور اول قرن تیان ۵۲:۱۵ و صور خدا در اول تسالونیکیان ۱۶:۴ مربوط به ربوده شدن هستند و مشابه همان هفتمین صور در مکاشفه ۱۵:۱۱ هستند. از آنجاییکه هفتمین صور، صدای پایان مصیبت است در زمانیکه پادشاهیهای این جهان به پادشاهی خداوند و مسیح او تبدیل می شوند، بازگشت او می بایست پس از دوره مصیبت عظیم باشد.

جواب: این صورها همگی مشابه نیستند. آخرین صور همان صور خداست. این صور اعلام کننده ربوده شدن است و قیام ایمانداران و صعودشان به نزد خانه پدر را خبر می دهد. این آخرین صور کلیساست. صور هفتم در مکاشفه ۱۵:۱۱ آخرین سری از داوریهها دوره مصیبت عظیم است. این آخرین صور برای بی ایمانان اسرائیلی و غیر اسرائیلی است. آخرین صور اول قرن تیان ۵۲:۱۵ همچنین صور خدا نیز نامیده شده است (اول تسالونیکیان ۱۶:۴)، و قبل از دوره مصیبت عظیم نواخته خواهد شد. صور هفتم در پایان دوره مصیبت عظیم نواخته خواهد شد.

۱۱- اولین قیامت مکاشفه ۵،۴:۲۰ در پایان دروه مصیبت عظیم بوقوع خواهد پیوست و نه هفت سال زودتر چنانچه پیروان نظریه ربوده شدن قبا از مصیبت عظیم می گویند.

جواب: قیامت اول یک واقعه منفرد نیست بلکه یک واقعه تدریجی. این قیامن با قیامن مسیح شروع شده است (اول قرن تیان ۱۵:۲۳). مرحله بعدی قیامت ایمانداران در هنگام ربوده شدن می باشد. مرحله سوم قیامت مقدسین دوره مصیبت عظیم خواهد بود که در زمان بازگشت مسیح به زمین به وقوع خواهد پیوست (مکا ۵،۴:۲۰). به بیانی دیگر، قیامت اول شامل قیام مسیح و همه ایمانداران حقیقی است و مهم نیست که چه زمانی بر خاسته باشند. همه

ایمانداران در پایان دروه سلطنت هزار ساله بر خواهند خواست تا در مقابل تخت بزرگ سفید بایستند (مکا: ۲۰: ۱۱-۱۵).

۱۲- در متن ۱۳: ۲۴-۳۰، گندم و کرکاسها تا پایان این دوره خواند رویید و این همان پایان دوره مصیبت عظیم است.

جواب: درست است، ولی این مثل از ملکوت آسمان سخن می‌گوید و نه کلیسا. در ملکوت و در زمان مصیبت عظیم، مردم راست و ناراستس وجود خواهند داشت.

۱۳- ربوده شدن مرموز نخواهد بود بلکه با صدای فریادی با صور خدا از آسمان همراه خواهد بود (اول تسالونیکیان ۴: ۱۶).

جواب: تعلیم اینکه ربوده شدن مرموز خواهد بود بر پایه این حقیقت استوار است که در یک چشم بر هم زدن به وقوع خواهد پیوست (اول قرنتیان ۵۲: ۱۵). این یک چشم بر هم زدن مدتی نیست که جهان شانس این را داشته باشد که همه وقایع را که قرار است اتفاق بیفتد شاهد باشد.

۱۴- جورج مولر، ساموئل ترگر، اسوالد اسمیت و دیگران نوشته‌اند که مردم نظریه ربوده شدن پس از مصیبت عظیم را قبول داشته‌اند.

جواب: این بحث چیزی را ثابت نمی‌کند. انسانها بزرگی در دفاع از هر دو نظریه وجود دارند.

۱۵- اکثراً اشارات عهد جدید به آمدن مسیح به آمدن او برای سلطنت مربوط می‌شوند.

جواب: این حقیقت ربوده شدن را رد نمی‌کند. فقط بدین خاطر که اکثر اشارات در عهد جدید به آسمان است به این معنا نیست که جهنمی وجود ندارد.

۱۶- کلیسا متحمل غضب خدا در دوره مصیبت عظیم نخواهد شد ولی غضب ضد مسیح که همان شیطان است را متحمل خواهد شد.

جواب: شش بار در کتاب مکاشفه، غضب دوره مصیبت عظیم خدا یکی انگاشته شده است:

«و فرشته سوم از عقب این دو آمده، به آواز بلند می‌گوید: اگر کسی وحش و صورت او را پرستش کند و نشان او را بر پیشانی یا دست خود پذیرد، او نیز از خمر غضب خدا که در پیاله خشم وی بپوش آمیخته شده است، خواهد نوشید و در نزد فرشتگان مقدس و در حضور بره به آتش و کبریت، معذب خواهد شد» (مکا: ۱۴: ۱۹).

«و یکی از آن چهار رحیوان، به آن هفت فرشته، هفت پیاله زرین داد، پر از غضب خدا که تا ابدالاباد زنده است» (مکا: ۱۵: ۷).

«و آوازی بلند شنیدم که از میان قدس به آن هفت فرشته می‌گوید که بروید، هفت پیاله غضب خدا را بر زمین بریزید» (مکا: ۱۶: ۱).

«و شهر بزرگ به سه قسم منقسم گشت و بلدان امت‌ها خراب شد و بابل بزرگ در حضور خدا به یاد آمد تا پیاله خمر غضب آلود خشم خود را بدو دهد» (مکا: ۱۶: ۱۹).

۱۷- وقتی که عیسی می‌گوید: «اینک به زودی می‌آیم» (مکا ۲۲:۷، ۱۲، ۲۰) به این معنا نیست هر لحظه‌ای ممکن است بیاید بلکه یعنی آمدن او آنی خواهد بود.

جواب: این نکته شک برانگیز است. حتی اگر به معنای آنی باشد هنوز هم آیاتی وجود دارند که این نظریه را رد می‌کنند مثل عبرانیان ۱۰:۳۷: «زیرا که بعد از اندک زمانی، آن آینده خواهد آمد و تأخیر نخواهد نمود.»

۱۸- عامل مانع در دوم تسالونیکیان ۲:۶-۸ روح القدس نیست بلکه دولت روم یا قدرت خدا.

جواب: این مورد در مطالب و مباحث مربوط به متن توضیح داده شده است.

۱۹- آمدن مسیح در روزگار رسولان نمی‌توانست قریب‌الوقوع باشد چونکه پطرس و پولس می‌دانستند که خواهند مُرد (یوحنا ۲۱:۱۸، ۱۹؛ دوم پطرس ۱:۱۴، ۱۵؛ دوم تیموتائوس ۴:۶).

جواب: پولس گاهی از خود به عنوان شخصی که در حین آمدن خداوند زنده خواهد بود سخن می‌گوید (اول تسالونیکیان ۴:۱۵) و گاهی نیز خود را از زمره ایماندارانی بر می‌شمرد که مرده و قیام خواهند کرد (فیل ۳:۱۰، ۱۱).

این رفتار مناسبی است که هر یک از ما باید داشته باشیم. ما منتظر آمدن خداوند در طول زندگی خود هستیم ولی می‌دانیم که قبل از ربوده شدن شاید بمیریم. پطرس ایمان داشت که انتهای همه چیز نزدیک است (اول پطرس ۴:۷) و آنانی که آمدن خداوند را با گفتن «کجاست وعده آمدن او؟ زیرا از زمانی که پدران به خواب رفته‌اند، هر چیز به همین‌طوری که از ابتدای آفرینش بوده باقی است» (دوم پطرس ۳:۴) استغما می‌نمودند محکوم می‌کرد.

۲۰- آمدن خداوند نمی‌تواند در هر لحظه‌ای به وقوع بپیوندد بلکه انجیل ابتدا می‌بایست قبل از آمدن او به تمامی عالم موعظه شود (متی ۲۴:۱۴).

جواب: این به انجیل ملکوت اشاره دارد (آیه ۱۴) که در زمان مصیبت عظیم به جهان اعلام خواهد شد. پیغام این انجیل این طور است: «به خداوند عیسی مسیح ایمان بیاور و نجات خواهی یافت و وقتی که مسیح بیاید با او وارد سلطنت هزار ساله خواهی شد». ایم همان نجاتی است که ما موعظه می‌کنیم ولی انتظار ما برای ربوده شدن است به بیانی دیگر، ما می‌گوییم: «به خداوند عیسی مسیح ایمان بیاور و نجات خواهی یافت و وقتی که عیسی بیاید، به خانه پدر خواهید رفت».

۲۱- متونی مثل متی ۲۸:۱۹، ۲۰ و اعمال ۱:۸ از انجیلی که به همه قومها و تا اقصای جهان موعظه می‌شود سخن می‌گوید. در رومیان ۱۰:۱۸، در مورد انجیل گفته شده است که به اقصای جهان خواهد رفت. البته، ما این متون را چنین درک می‌کنیم که به جهان آن زمان اشاره دارند یعنی کشورهایی که مجاور دریای مدیترانه قرار داشتند.

۲۲- نقشه سفر بشارتی طولانی پولس که در اعمال رسولان ۱۸:۲۱؛ ۲۳:۱۱؛ و در رومیان ۱۵:۲۲-۲۵، ۳۰، ۲۱ آمده است نشان می‌دهد که او منتظر آمدن خداوند در آینده بطور ناگهانی نبود.

جواب: نقشه پولس بر طبق اراده خدا طرح ریزی شده بود (اعمال ۱۸:۲۱؛ روم ۱:۱۰؛ اول قرنتیان ۴:۱۹). او چنان کار می‌کرد که گویی خداوند در زمان زندگی او نخواهد آمد ولی منتظر بازگشت او در هر لحظه‌ای بود.

۲۳- پولس از زمانهای مخاطره آمیز در روزهای آخر سخن گفته است (اول تیموتائوس ۴:۱-۳؛ دوم تیموتائوس ۳:۱-۵). این پیش فرضی راجع به یک لغزش در زمانی که خداوند هنوز نیامده به ما ارائه می‌دهد.

جواب: پولس همچنين از سر بي ديني كه در حال حاضر كار مي كند سخن گفته است (دوم تسالونيكيان ۷:۲).  
يوحنا آنرا ساعت آخر در روزگار خویش خوانده است (اول يوحنا ۲:۱۸). اين مردمان مشكلي با اميد بازگشت  
ناگهاني مسيح نميديدند و آن را كاملاً ممكن مي دانستند.

۲۴- مثلهایی مثل متی ۱۴:۳۰ و لوقا ۱۹:۱-۲۷ پیش فرضی راجع به یک دوره طولانی لغزش (ارتداد) قبل از  
بازگشت خداوند ارائه می دهند. بنابراین ایمانداران اولیه نمی توانند منتظر آمدن خداوند در هر لحظه باشند.  
جواب: ظاهراً ایمانداران اولیه بر پایه آموزه های مثلها منتظر آمدن خداوند نبودند بلکه آنها منتظر ربهوده شدن  
بودند (اول تسالونیکیان ۱:۱۰). ولی جدای از آن، زمان دراز در متی ۱۹:۲۵ بسیار نامعینی است. مثل لوقا تعلیم  
می دهد که ملکوت بطور ناگهانی ظهور نخواهد نمود (لوقا ۱۱:۱۹) ولی این مثل شامل احتمال ربهوده شدن کلیسا در  
هر لحظه بطور تلویحی می باشد.

پایان